

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احكام خواهران

عنوان کتاب: احکام خواهران
گردآوری و تدوین: معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد
چاپ دوّم: تابستان ۱۳۸۹
حروفچینی: مهدی فیروزخانی
ناشر: به سفارش معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی (پژوهشکده قرآن و
عترت)
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شمسه خوش نگار (کیماثر)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۵-۰۹-۵
قیمت: ۸۳۰ تومان

فهرست مطالب

۵	پیش درآمدی بر اجتهاد و تقلید.....
۱۴	احکام تقلید.....
۱۶	احکام طهارت.....
۳۷	وضو.....
۴۸	تیمم.....
۵۳	احکام نماز.....
۹۷	احکام روزه.....
۱۰۶	احکام خُمس.....
۱۱۰	احکام زکات.....
۱۱۱	احکام حج.....
۱۱۲	احکام خرید و فروش.....
۱۱۴	احکام قرض.....
۱۱۵	احکام نگاه کردن.....
۱۱۶	احکام مالی که انسان آن را پیدا می‌کند.....
۱۱۷	امر به معروف و نهی از منکر.....
۱۲۲	مسائل دفاع.....
۱۲۳	مسائل متفرقه.....
۱۲۹	مسائل ویژه خواهران.....

پیش درآمدی بر اجتهاد و تقلید

آئین حیات بخش اسلام، راه و رسم ویژه‌ای را برای تنظیم و اداره حیات بشر، پیش روی او نهاده است. هدایت در مسیر تعالی و کمال، مانند هر پدیده دیگری نیاز به برنامه‌ای از پیش تعیین شده دارد که تمام جوانب امور و موانع راه در آن پیش بینی شده باشد. خالق متعال که انسان را در همه مراحل سیر او تا بی‌نهایت، مورد لطف و عنایت قرار داده است، برای نیل او به عالی‌ترین مراتب کمال و سعادت، طرحی عظیم در انداخته و آن را از زبان قرآن و سنت ائمه معصومین علیهم‌السلام ابلاغ و اعلام نموده است.

بی شک این برنامه و خطّ مشی ویژه جز از طریق وحی و سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فرزندان معصومش علیهم‌السلام، کسی را وصال نمی‌دهد، بلکه تنها در مکتب قرآن و اهل بیت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌توان به حریم آن راه یافت. کشف و استنباط این برنامه آسمانی، باید بر عهده کسانی گذارده شود که در علوم قرآنی کارشناسان ماهر و صادق هستند و درایت آن‌ها در حدیث و سنت معلوم همگان باشد. از این روست که ضرورت وجود خبرگان دلسوز و نستوه رخ می‌نماید؛ خبرگان و مجاهدانی که با تلاش بی وقفه و با رجوع به منابع و مدارک اصیل اسلامی، در استنباط احکام دینی و وظایف اسلامی فرد و اجتماع، سعی بلیغ دارند و با همه نیرو و وسع خود در این عرصه داخل می‌شوند. از میان عالمان و دانشمندان اسلامی، مراجع گران قدر تقلید، عهده‌دار این وظیفه خطیر و رسالت بزرگند.

ادوار تاریخی اجتهاد

خداوند بزرگ، احکام و تکالیفی را برای فرزند آدم، مقرر فرموده است. این احکام، از طریق وحی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمد و حضرتش همه آن را بی کم و کاست به مردم عصر خود ابلاغ فرمودند. از همین رو، زمان حیات رسول گرامی صلی الله علیه و آله را عصر تشریح می‌نامند؛ یعنی عصری که قوانین و احکام الهی به کسوت شریعت درآمدند و مردم را مخاطب خود ساختند.

به تدریج، گذر زمان موجب گستردگی و پیچیدگی روز افزون مسائل جامعه اسلامی شد و در بستر یک جریان در تاریخ، مسلمین بر ضرورت دستیابی به کم و کیف احکام و راه‌های استنباط آن‌ها در عصر غیبت، اتفاق نظر پیدا کردند. در زمان حیات رسول گرامی صلی الله علیه و آله و بعد از آن در عصر امامان بزرگوار شیعه علیهم السلام چنین ضرورتی احساس نمی‌شد. زیرا در عصر رسالت، احکام و قوانین الهی به دست مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله تشریح و تبلیغ می‌گردید و از آن پس نیز که دوره امامت خاصه حضرات معصومین علیهم السلام فرا رسید، ایشان مفاهیم کلی دین را در قالب‌های مدون و الگو وار برای مردم عصر خود بیان فرمودند. رسالت ائمه عظیم الشان شیعه، ترسیم خطوط کلی و نشان دادن اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بود تا بشریت با الهام‌گیری از این مفاهیم کلی و خطوط برجسته، راه خود را در دوره‌های بعد پی‌گیرد و بر جامعیت دین مبین که برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست، صحت گذارند.

در عصر غیبت آخرین حجت خدا (عج) ضرورت تداوم حرکت انبیاء و اوصیاء (صلوات الله علیهم اجمعین)، ایجاب می‌کند که با توجه به جامعیت دین اسلام و عمومیت آن، آگاه‌ترین و صالح‌ترین افراد امت اسلامی، یعنی مراجع بزرگوار شیعه، عالم انسانیت را به سوی سعادت رهنمون گردند. در این راه پر مخاطره، دست‌مایه و همه هستی ایشان،

همانا قرآن و احادیث معتبر است و البته که چنین راهی را چنان سرمایه‌ای باید، و الا هیچ‌کس راه به جایی نخواهد برد.

ضرورت و شرایط مرجعیت

گسترده‌گی و عمومیت قوانین اسلام در زمینه‌های مختلف حیات، ضامن هدایت و سعادت فردی و اجتماعی انسان و تکامل او به سوی کمال مطلق است.

این گسترده‌گی و شمول، اقتضا می‌کند که همگام با تحولات زمانی و مکانی، مقام جامع الشرایطی، پاسخگوی مسائل و پرسش‌های دینی مردم در هر عصری باشد. مراجع بزرگوار شیعه در طول تاریخ فقاقت و اجتهاد، آنچنان در دقایق علمی و استنباط مسائل عقلی و آراء پیشینیان، تأمل و امعان نظر داشته‌اند که بیش از هر مقام و منبع دیگری شایسته پاسخ‌گویی به نیازهای عصر و نسل خود می‌باشند و در واقع در هیچ عصری، مردم جز از این طریق، پاسخ مشکلات علمی و عملی خود را دریافت نکردند.

هنگامی که عشق و ایمان، به مدد عقل و درایت درآیند و افزون بر همه این‌ها، قوه استنباط و اجتهاد نیز همراه گردد، مقام مرجعیت شکل می‌پذیرد و قادر به حل و فصل مسائل مسلمان‌ها می‌شود.

از طرفی فقیهان امت که به شهادت روایت مشهور «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ، صَائِتًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ» صالح‌ترین مقام برای اداره و ارشاد جامعه اسلامی هستند، در سخت‌ترین امتحانات و در کوران حوادث به خوبی از عهده مسئولیت رهبری اجتماع مسلمین برآمده‌اند. اینان، بزرگ مردانی هستند که رویه آن‌ها همان «زی طلبگی» بوده و در عالی‌ترین مراتب دنیوی و معنوی، مهار نفس را از کف نداده‌اند.

بی‌جهت نیست که مردم از دیرباز به این طایفه از دانشمندان، نهایت حسن ظن را داشته و از بذل مال و جان برای اجرای فرامین ایشان دریغ نکرده‌اند.

علم و معرفت، انس و آشنایی با قرآن و سنت، صداقت و درستی، عدالت و شجاعت و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا که برای قاطبه مراجع بزرگوار، چونان ملکه‌ای استوار درآمده است، علت عمده توجه و رویکرد مردم به ایشان است. پیش از هر چیز اقبال توده‌ها به مجتهدان با اخلاص را باید در همین خصیصه‌ها جستجو کرد.

مواجهه منطقی دین با مسائل جدید

دیندارانه زیستن و در عین حال از علم و صنعت روز، بهره جستن، موجب بروز معضلات فکری و مشکلات علمی بی‌سابقه‌ای در میان دینداران شده است، به راستی دین، چگونه راه خود را در میان انبوه معضلات عصر جدید می‌پیماید؟ و آیا جز در سایه هماهنگی دین و عقل، پاسخی مناسب برای نیازهای انسان عصر جدید قابل دریافت است؟ این دسته از پرسشها پاسخی روشن دارند و نیازی به شرح و بسط آنها نیست. اما در رابطه با فقه و احکام فرعی، گفتنی است که در روند تعیین مناسبات و تنظیم روابط فردی و گروهی، آنچه که به این علم مربوط می‌شود، عبارت است از «استمرار اجتهاد و پاسخگویی‌های لحظه»، بدین معنا که عالمان و فقیهان امت، با بهره‌گیری از مفاهیم عام و جهان شمول شریعت، درباره مسائل نوینی از قبیل روابط و مناسبات بین‌المللی، حقوق بشر، جنگ‌های سرد و گرم، دفاع از کیان اسلام و منافع مسلمین، اقتصاد اسلامی، نسبیّت و یا ثبات اخلاق و ارزش‌ها، کنترل جمعیت، بیمه، مالیات، تعاونیها و صدها مسئله دیگر به کنکاش و استنباط پرداخته و درباره هر یک از این مسائل، رأی خواهند داد. پر

واضح است که چنین طریق ناهمواری را کسانی قادرند بپیمایند که علاوه بر برخورداری از علم و معرفت کافی در زمینه علوم اسلامی، مایه‌های فراوانی در زمینه‌های تهذیب و تزکیه روح و تجربه‌های علمی، به چنگ آورده باشند.

لزوم رجوع به متخصص

برکسی پوشیده نیست که وسعت علوم و شعبات متعدّد علمی تا به حدّی است که حتّی شمارش آن‌ها، کاری صعب و دشوار است. از همین رو تخصص به معنی واقعی آن جز در یک الی دو رشته امکان وقوعی ندارد، بلکه تخصص در زمان ما جز با پژوهش‌های چندین ساله و همت‌های بلند، صورت تحقق به خود نمی‌گیرد. تا آن‌جا که تصوّر مهارت کافی برای یک شخص در چندین رشته و فن خارج از تصوّر و امکان است.

رشته‌های فنی و تجربی به جهت کاربردهای مؤثر و سازنده آن‌ها در زندگی روزمره، نزد عموم از شأن و منزلتی ویژه و در برخی موارد، دور از انتظار برخوردارند. عنوان تخصص در این رشته‌ها و مراجعه افراد به کارشناسان علوم فوق‌الذکر، امری کاملاً مقبول و پذیرفتنی است. اما چرا هنگامی که نوبت به علوم دینی و استنباطی می‌رسد، این امر بدیهی و کاملاً عقلایی از طرف برخی، مورد خدشه و چون و چرا قرار می‌گیرد؟ به حتم تمام ادله و براهینی که رجوع غیر متخصص در هر علمی را به متبحرین آن فن به اثبات و ظهور می‌رساند، از مراجعه مردم به مراجع دینی، برای فهم و دریافت احکام اسلام، پشتیبانی می‌کند. به ویژه در دنیای کنونی که معبر حوادث گوناگون و جایگاه تحولات سریع صنعتی و تغییرات اساسی در چهره جوامع انسانی است، هیچ تردیدی در لزوم مراجعه به صاحبان تخصص در علوم دین، باقی

نمی‌ماند. جز این نیست که تحولات اخیر در مقیاس‌های جهانی، نه فقط از اهمیت و ضرورت مقام مرجعیت در جامعه انسانی نکاسته است، بلکه این تغییر و تحولات بنیادی بیش از پیش، ضرورت وجود یک مقام مسؤول، در پاسخ‌گویی به نیازهای دینی مردم را مشخص می‌کند.

میزان تأثیرپذیری اجتهاد از زمان و مکان

بعد از وفات رسول اکرم ﷺ مفاهیم مشک‌وکی مانند تطوّر و تغییر شرایط زمان و مکان، در میان مسلمین رونق گرفت. مشک‌وک بودن این عناوین از آن جهت بود که بهانه‌ای برای تغییرات اساسی در محکّمات دینی شده بود. یعنی هویت و حقیقت اسلام و احکام آن در برابر متغیّرات اجتماعی خاضع شده و آنچه که اصیل و پا برجا می‌نمود، همانا چهره و سمت و سوی اجتماع بود. لحاظ زمان و مکان در مجرای استنباط، امری بایسته و مورد سفارش اولیاء دینی و در این اواخر حضرت امام بود. اما در این مسیر نیز افراط و تفریط، مذموم و نابایسته است. به هر حال این دید غلط در حال حاضر نیز، گاه از برخی زبانها و قلم‌ها، ترسیم می‌شود و چون آفتی در فهم دین و مبانی شریعت شده است.

نباید فراموش کرد که آنچه معیار و ملاک است، وحی و احکام آسمانی است، نه تبدیل احکام بر وفق اوضاع و متغیّرات ناپایدار. چه بسا کیان اسلام و سعادت جامعه اسلامی، بارها در اثر افراط و تفریط‌های آنچنانی به مخاطره افتاده است.

گاه به موجب افراط در لحاظ شرایط زمانی و مکانی و گاه در اثر بی‌توجهی ناشیانه به زمان و مکان، ضربات بسیاری بر پیکره نظام اسلامی وارد شده است. همپایی و هماهنگی با آنچه که تغییرات زمان و مکان نامیده می‌شود، چندان سهل و آسان نیست. در واقعیت زمان،

هم ترقّی و تعالی وجود دارد و هم انحطاط و انحراف. باید با پیشرفت زمان پیش رفت و با انحراف آن مبارزه کرد. اما تمیز و تشخیص انحراف از تعالی، بدون نظر کردن به سرچشمه‌ها و منابع، عقیم خواهد ماند. اسلام با اختصاص هدف‌ها در قلمرو دین و واگذاشتن ابزار و صورت کار در حوزه علم و فن، از هرگونه تصادم و تعارض با توسعه فرهنگ و تمدن پرهیز کرده است.

این را باید از معجزات دین مبین دانست که برابر احتیاجات ثابت بشری، قوانین ثابت و به موازات نیازهای متغیر او مقررات متغیری را پیش‌بینی کرده است.

اسلام به وضوح وجود مصالح عالی‌ه را در ورای احکام خود، تصریح دارد و از طرف دیگر در مطاوی بزرگان شریعت، درجه اهمیت مصلحت‌ها بیان شده و این مسأله کار محققان را در زمینه تعارض مصالح آسان نموده، زیرا اسلام اجازه داده است که در چنین مواردی کارشناسان متبحر، با لحاظ درجه اهمیت‌ها و سنجش اولویت‌ها، به دام «ترجیح بلا مرجح» در نغلطند و اهم را به پای مهم، ذبح شرعی نکنند.

احکام در منظر اخلاق

گفتنی است که روح و آهنگ «آیات الاحکام» در قرآن مجید، جنبه اخلاقی دارد. غالب آیات مربوط به احکام به یک تعلیل و یا تحلیل اخلاقی ختم می‌شود. و این سنت به خوبی حکایت از آن می‌کند که قرآن مجید، اساسی‌ترین رکن و منبع فقه، رسالت اصلی خود را، بیان و تحکیم اصول اخلاقی می‌داند. هنگامی که تکالیف فرعی و شرعی، چنین بیانی را در قرآن به خود اختصاص می‌دهد، تفسیری جز اینکه اخلاق و تکامل روحی، مطمح نظر وحی می‌باشد، ندارد.

احکام، تنها از آن جهت که آهنگ زندگی مسلمین را منضبط

گرداند، تشریح نشده است، بلکه اداره و هدایت قلبی بشر به سمت متعالی‌ترین سجایای اخلاقی نیز در نظر است. گرچه نفس وضع و قرار دادن تکالیف شرعی، حاکی از توجّه خالق سبحان به نوع انسان است، بلکه، طریقه وضع و تشریح آن‌ها نیز از توجه و اعتنای صاحب آفرینش به تربیت فرزندان آدم، سخن می‌گوید. قرآن کریم از آن جهت عمل و تعهد به قانون را خواستار است که این اعمال زمینه پرورش روحيات اخلاقی انسان‌هاست و شاید اگر جز این بود، این مایه عنایت و توصیه عمل به احکام فقهی، خالی از معنا می‌نمود.

منزلت احکام در مسابقات سراسری قرآن و عترت علیهم‌السلام

بی‌هیچ تردیدی، تقید به احکام و دستورات برگرفته از قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام یگانه طریق نجات مسلمین و شکل‌گیری حیات اسلامی و قرآنی ایشان است.

پی‌گیری و تطبیق ائمه اطهار علیهم‌السلام با وضعیتهای متغیر جوامع که منجر به تدوین رساله‌های عملیه گردید، نشانگر مساعی عالمانه و دلسوزانه دانشمندان گران‌قدر تشیع و حساسیت مبارک این طبقه از عالمان دینی به سرنوشت مسلمین است. انس و تعهد به دستورات فقهی در میان اقشار تحصیل کرده و جوانان میهن اسلامی که نسل بالنده هر کشوری محسوب می‌شوند، میمون و مبارک است. هر قدر که توجّه قلب و روح نسل جوان به اصول و فروع دین افزون گردد، بیش‌تر موجبات تعالی و تکامل جامعه، فراهم می‌گردد و چنانچه به هر دلیلی این شوق و گرایش، فروکش کند، زمینه برای نفوذ فرهنگ بیگانه و شیخون‌های فرهنگی مساعد می‌گردد. مسلماً از آفت کم‌توجهی به احکام شرعی در میان جوانان عموماً و دانشجویان خصوصاً، تعبیری جز فاجعه و توفیق مغزهای شیطانی، نمی‌توان ذکر نمود. به نظر می‌رسد که

نهادهای فرهنگی و برنامه‌ریزان و کارگزاران امور تربیتی، باید سوق دادن جوانان را به سوی احکام اسلام، در دستور کار خود قرار دهند و از هرگونه صرف هزینه و سرمایه‌گذاری در این عرصه دریغ نورزند. زیرا جوانان، زنده‌ترین و سازنده‌ترین اجزاء اجتماع محسوب می‌شوند و هرگونه تغییر در روحیات و منش آنان در سطح وسیع جامعه انعکاس دارد.

به همین منظور، در پوشش طرحی نو، تحت عنوان «احکام» شاخه‌ای به شاخه‌های مسابقات افزوده شد، تا در کنار تربیت جوانان عزیز و تشویق آن‌ها به سوی قرائت، تجوید، تحقیق، همخوانی و... این جنبه حیاتی نیز مورد غفلت قرار نگیرد.

این مجموعه از رساله عملیه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام (ره) (چاپ دوم وزارت ارشاد اسلامی) انتخاب شده است و توصیه می‌شود که داوطلبان عزیز برای آگاهی از سایر مسائل، رساله عملیه را با دقت مطالعه کنند.

یاری خداوند منان را در جهت گسترش فرهنگ وحی و اجرای فرامین اولیاء دین، مسألت نموده و امیدواریم که این دوره از مسابقات نیز خدمتی به سزا در تحکیم ایمان و عقیده جوانان به قرآن و عترت علیهم‌السلام داشته باشد.

والسلام

هیأت علمی ستاد مرکزی برگزاری مسابقات قرآن و عترت

احکام تقلید

مسأله ۱: مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد، و در احکام غیر ضروری دین باید یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند یعنی به دستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است، مثلاً اگر عده‌ای از مجتهدین عملی را حرام می‌دانند، عده دیگر می‌گویند حرام نیست آن عمل را انجام ندهد، و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می‌دانند آن را به جا آورد، پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی‌توانند به احتیاط عمل کنند واجب است از مجتهد تقلید نمایند.

مسأله ۲: تقلید در احکام، عمل نمودن به دستورات مجتهد است، و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده و عادل باشد.

مسأله ۳: مجتهد اعلم را از سه راه می‌توان شناخت: اول آن که خود انسان یقین کند. مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد. دوم آن که دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند. سوم آن که عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و

از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن و یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

مسئله ۷: اگر مجتهد و اعلم در مسأله‌ای فتوی دهد، مقلد آن مجتهد یعنی کسی که از او تقلید می‌کند نمی‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، ولی اگر فتوی ندهد و بفرماید احتیاط آن است که فلان طور عمل شود، مثلاً بفرماید احتیاط آن است که در رکعت سوّم و چهارم نماز سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی (سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ) بگویند، مقلد باید یا به این احتیاط که احتیاط واجب می‌گویند عمل کند و سه مرتبه بگوید، یا به فتوای مجتهد دیگری عمل کند یا بنا بر احتیاط واجب به فتوای مجتهدی که اعلم او از متجهد اعلم کم‌تر و از مجتهدهای دیگر بیش‌تر است عمل نماید. پس اگر او یک مرتبه گفتن را کافی بداند، می‌تواند یک مرتبه بگوید و هم‌چنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسأله محل تأمل یا محل اشکال است.

مسئله ۸: اگر مجتهد اعلم بعد از آن که در مسأله فتوای داده احتیاط کند، مثلاً بفرماید ظرف نجس را یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می‌شود، اگرچه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند، مقلد او نمی‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند، بلکه باید یا به فتوی عمل کند، یا به احتیاط، بعد از فتوی که آن را احتیاط مستحب می‌گویند عمل نماید مگر آن که فتوای آن مجتهد نزدیک‌تر به احتیاط باشد.

مسئله ۱۱: مسائلی که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

مسئله ۱۴: اگر مکلف مدّتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در

صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است، یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده، یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند مطابق باشد، مگر عمل را طوری انجام داده باشد که از گفته آنان به احتیاط نزدیک تر باشد که در این صورت هم صحیح است.

احکام طهارت

آب مطلق و مضاف

مسئله ۱۵ : آب یا مطلق است یا مضاف: آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند. مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد، مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند، و غیر اینها آب مطلق است، و آن بر پنج قسم است: اول آب کر. دوم آب قلیل. سوم آب جاری. چهارم آب باران. پنجم آب چاه.

۱- آب کُر

مسئله ۱۶ : آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن در هر یک سه و نیم است بریزند، آن ظرف را پر کند.

مسئله ۱۷ : اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کر برسد چنانچه به واسطه آن، بو یا رنگ یا مزه آب تغییر کند آب نجس می شود، و اگر تغییر نکند نجس نمی شود.

مسئله ۱۸ : اگر بوی آب کر به واسطه غیرنجاست تغییر کند، نجس نمی شود.

مسئله ۱۹ : اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیش تر از کر است

برسد و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده، کم تر از کر باشد تمام آب نجس می شود. و اگر به اندازه کر یا بیش تر باشد فقط مقداری که بو یا رنگ یا مزه آن تغییر کرده نجس می شود.

مسأله ۲۱: اگر چیزی نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می ریزد اگر متصل به کر باشد و به واسطه نجاست بو یا رنگ یا مزه آن تغییر نکرده باشد پاک است.

مسأله ۲۲: اگر مقداری از آب یخ ببندد و باقی آن به قدر کر نباشد چنانچه نجاست به آب آن برسد نجس می شود، و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است.

۲- آب قلیل

مسأله ۲۵: آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و کم تر از کر باشد.

مسأله ۲۷: آب قلیلی که برای بر طرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد نجس است و باید از آب قلیلی هم که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود اجتناب کنند. ولی آبی که با آن مخرج بول و غائط را می شویند با پنج شرط پاک است: اول، آن که بو یا رنگ یا مزه آب به واسطه نجاست تغییر نکرده باشد. دوم، نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد. سوم، نجاست دیگری مثل خون یا بول یا غائط بیرون نیامده باشد. چهارم، ذره های غائط در آب پیدا نباشد. پنجم، بیش تر از مقدار معمول نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

۳- آب جاری

مسئله ۲۹: آب جاری اگر چه کم‌تر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده، پاک است.

مسئله ۳۰: اگر نجاستی به آب جاری برسد، مقداری از آن که بو یا رنگ یا مزه‌اش به واسطه نجاست تغییر کرده نجس است و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کم‌تر از کر باشد پاک است. و آب‌های دیگر نهر اگر به اندازه کر باشد یا با واسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد پاک و گرنه نجس است.

مسئله ۳۱: آب چشمه‌ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد حکم آب جاری دارد، یعنی اگر نجاست به آن رسید تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

مسئله ۳۵: آب لوله‌های حمام که از شیرها و دوش‌ها می‌ریزد اگر متصل به کر باشد مثل آب جاری است، و آب لوله‌های عمارات اگر متصل به کر باشد در حکم آب کر است.

مسئله ۳۶: آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی‌جوشد، چنانچه کم‌تر از کر باشد و نجاست به آن برسد نجس می‌شود، اما اگر از بالا با فشار به پائین بریزد چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی‌شود.

۴- آب باران

مسئله ۳۷: اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه ببارد، جایی که باران به آن برسد پاک می‌شود. و در فرش و لباس

و مانند این‌ها فشار لازم نیست ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می‌آید.

مسأله ۳۸: اگر باران به عین نجس ببارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته پاک است. پس اگر باران بر خون ببارد و ترشح کند، چنانچه ذره‌ای خون در آن باشد، یا آن که بو یا رنگ یا مزه خون گرفته باشد نجس می‌باشد.

مسأله ۴۰: زمین نجسی که باران بر آن ببارد پاک می‌شود. و اگر باران بر زمین جاری شود و به جای نجسی که زیر سقف است برسد، آن را نیز پاک می‌کند.

مسأله ۴۱: خاک نجسی که به واسطه باران گل شود و آب آن را فرا گیرد پاک است اما اگر فقط رطوبت به آن برسد پاک نمی‌شود.

۵- آب چاه

مسأله ۴۴: آب چاهی که از زمین می‌جوشد اگر چه کم‌تر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است، ولی مستحب است بعد از رسیدن بعضی از نجاست‌ها مقداری که در کتاب‌های مفصل گفته شده، از آب آن بکشند.

مسأله ۴۵: اگر نجاستی در چاه بریزد و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، موقعی پاک می‌شود که با آبی که از چاه می‌جوشد مخلوط گردد.

احکام آبها

مسأله ۴۷: آب مضاف که معنی آن گفته شد چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

مسأله ۴۸: اگر ذره‌ای نجاست به آب مضاف برسد نجس می‌شود.

مسأله ۵۵: آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه، پاک است و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، نجس است.

نجاسات

مسأله ۸۳: نجاسات یازده چیز است: اول بول، دوم غائط، سوم منی، چهارم مردار، پنجم خون، ششم و هفتم سگ و خوک، هشتم کافر، نهم شراب، دهم فقاع، یازدهم عرق شتر نجاست خوار.

۱ و ۲- بول و غائط

مسأله ۸۴: بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که «اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند» نجس است، ولی فضلۀ حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارد پاک است.

مسأله ۸۵: فضلۀ پرندگان حرام گوشت نجس است.

۳- منی

مسأله ۸۷: منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است.

۴- مردار

مسئله ۸۸: مردار حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، چه خودش مرده باشد یا به غیر دستوری که در شرع معین شده آن را کشته باشند. و ماهی چون خون جهنده ندارد اگر چه در آب بمیرد، پاک است.

مسئله ۸۹: چیزهایی از مردار که مثل پشم و مو و کرک و استخوان و دندان روح نداشته اگر از غیر حیوانی که مثل سگ نجس است، پاک می باشد.

مسئله ۹۰: اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد در حالی که زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند، نجس است.

مسئله ۹۱: پوست های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادن شان رسیده اگر چه آنها را بکنند پاک است، ولی بنابر احتیاط واجب باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده اند اجتناب نمایند.

مسئله ۹۴: دواجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارجه می آورند اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد پاک است.

مسئله ۹۵: گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود پاک است و هم چنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمانی باشد، ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه نجس می باشد. و نیز بنا بر احتیاط واجب بداند مسلمان با آن معامله پاکی نموده پاک است ولی اگر بداند رسیدگی نکرده نجس است.

۵- خون

مسأله ۹۶: خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند نجس است، پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارند پاک می‌باشد.

مسأله ۹۷: اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید خونی که در بدنش می‌ماند پاک است. ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه این که سر حیوان در جای بلندی بوده خون به بدن حیوان برگردد آن خون نجس است.

مسأله ۹۸: خونی که در تخم مرغ می‌باشد نجس نیست ولی خوردن آن حرام است، و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود خوردن زرده هم مانعی ندارد.

مسأله ۹۹: خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می‌شود، نجس است و شیر را نجس می‌کند.

مسأله ۱۰۰: خونی که از لای دندان‌ها می‌آید، نجس و خوردن آن حرام است ولی اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود پاک است، و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد.

مسأله ۱۰۱: خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند پاک است، و اگر به آن خون بگویند در صورتی که ناخن یا پوست سوراخ شود، اگر مشقت ندارد باید برای غسل و وضو خون را بیرون بیاورند و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود بشویند و پارچه یا

چیزی مثل پارچه بر آن بگذارند و روی پارچه دست تر بکشند و تیمم هم بکنند.

مسأله ۱۰۲ : اگر انسان نداند که خون زیر پوستِ مرده یا گوشت، به واسطه کوییده شدن، به آن حالت درآمده پاک است.

مسأله ۱۰۳ : اگر موقع جوشیدن غذا ذره‌ای خون در آن بیفتد تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود و جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده نیست.

مسأله ۱۰۴ : زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است پاک می‌باشد.

۶-۷- سگ و خوک

مسأله ۱۰۵ : سگ و خوک که در خشکی زندگی می‌کنند حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت‌های آن‌ها نجس است ولی سگ و خوک دریائی پاک است.

۸- کافر

مسأله ۱۰۶ : کافر یعنی کسی که منکر خدا است، یا برای خدا شریک قرار می‌دهد، یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را قبول ندارد، نجس است و هم‌چنین است اگر در یکی از این‌ها شک داشته باشد و نیز کسی که ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند منکر شود، چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن چیز برگردد به انکار خدا یا توحید یا نبوت، نجس می‌باشد، و اگر ضروری دین بودن آن را نداند، به طوری که انکار آن به انکار خدا یا توحید یا نبوت بر نگردد، بهتر آن است که از او

اجتناب کند.

مسأله ۱۰۷ : تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبت‌های او نجس است.

مسأله ۱۱۰ : اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد نجس است.

۹- شراب

مسأله ۱۱۱ : شراب و هر چیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است.

مسأله ۱۱۲ : الکل صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند این‌ها به کار می‌برند، اگر انسان نداند از چیزی که مست‌کننده و روان است درست کرده‌اند پاک می‌باشد.

۱۰- فقاع

مسأله ۱۱۵ : فقاع که از جو گرفته می‌شود و به آن آبجو می‌گویند نجس است. ولی آبی که به دستور طبیب از جو می‌گیرند و به آن ماء الشعیر می‌گویند پاک می‌باشد.

عرق جنب از حرام

مسأله ۱۱۶ : عرق جنب از حرام نجس نیست، ولی احتیاط واجب آن است که با بدن یا لباسی که به آن آلوده شده نماز نخواند.

۱۱- عرق شتر نجاست خوار

مسأله ۱۲۰: عرق شتر نجاست خوار نجس است، ولی اگر حیوانات دیگر نجاست خوار شوند از عرق آن‌ها اجتناب لازم نیست.

راه ثابت شدن نجاست

مسأله ۱۲۱: نجاست هر چیز از سه راه ثابت می‌شود: اول آن که خود انسان یقین کند چیزی نجس است، و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است لازم نیست از آن اجتناب نماید. بنابراین غذا خوردن در قهوه خانه و مهمان‌خانه‌هایی که مردمان لایبالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی‌کنند در آن‌ها غذا می‌خورند، اگر انسان یقین نداشته باشد غذایی که برای او آورده‌اند نجس است اشکال ندارد. دوم آن که کسی که چیزی در اختیار اوست بگوید آن چیز نجس است، مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کلفت بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار او است نجس می‌باشد. سوم آن که دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است و نیز اگر یک نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است، بنا بر احتیاط واجب باید از آن چیز اجتناب کرد.

مسأله ۱۲۳: چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه نجس است، و چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه پاک است. و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد لازم نیست واریسی کند.

مسأله ۱۲۴: اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آن‌ها استفاده می‌کند نجس شده و نداند کدام است، باید از هر دو اجتناب کند، بلکه اگر مثلاً نمی‌داند لباس خودش نجس شده یا لباسی که هیچ از آن استفاده نمی‌کند و مال دیگری است باز هم احتیاط آن است که از لباس خودش اجتناب نماید، اگر چه لازم نیست.

راه نجس شدن چیزهای پاک

مسئله ۱۲۵ : اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آن‌ها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد چیز پاک نجس می‌شود و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد چیزی که پاک بوده نجس نمی‌شود.

مسئله ۱۲۶ : اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آن‌ها تر بوده یا نه، آن چیز پاک نجس نمی‌شود.

مسئله ۱۲۸ : زمین و پارچه و مانند این‌ها اگر رطوبت داشته باشد هر قسمتی که نجاست به آن برسد نجس می‌شود و جاهای دیگر آن پاک است و هم‌چنین است خیار و خربزه و مانند این‌ها.

مسئله ۱۲۹ : هر گاه شیر و روغن روان باشد، همین که یک نقطه از آن نجس شد تمام آن نجس می‌شود. ولی اگر روان نباشد نجس نمی‌شود.

مسئله ۱۳۱ : اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود هر جا که عرق به آن برسد نجس می‌شود، و اگر عرق به جای دیگر نرود، جاهای دیگر بدن پاک است.

مسئله ۱۳۲ : اخلاطی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است، پس اگر به بیرون از دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس است، و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه پاک می‌باشد.

مسئله ۱۳۳ : اگر آفتابه‌ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند چنانچه آب طوری زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی

حساب شود، آب آفتابه نجس می‌شود، بلکه اگر آب بر زمین جاری شود یا فرو رود، در صورتی که سوراخ آفتابه به زمین نجس متصل باشد، باز هم بنا بر احتیاط واجب باید از آب آفتابه اجتناب کرد، ولی اگر سوراخ آن به زمین نجس متصل نباشد و آب زیر آفتابه هم با آب داخل آن یکی حساب نشود آب آفتابه نجس نمی‌شود.

احکام نجاسات

مسأله ۱۳۵ : نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.

مسأله ۱۳۶ : اگر جلد قرآن نجس شود، در صورتی که بی‌احترامی به قرآن باشد باید آن را آب بکشند.

مسأله ۱۴۱ : خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و نیز خوراندن عین نجس به اطفال در صورتی که ضرر داشته باشد حرام می‌باشد. بلکه اگر ضرر هم نداشته باشد باید از آن خودداری کنند، ولی خوراندن غذاهایی که نجس شده است به اطفال حرام نیست.

مسأله ۱۴۳ : اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او بگوید.

مسأله ۱۴۴ : اگر جایی از خانه و یا فرش کسی نجس باشد و ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می‌شوند با رطوبت، به جای نجس رسیده است، لازم نیست به آنان بگوید.

مسأله ۱۴۵ : اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به مهمان‌ها بگوید اما اگر یکی از مهمان‌ها بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد، ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که

می‌داند که به واسطه نگفتن خود او هم نجس می‌شود، باید بعد از غذا به آنان بگوید.

مسأله ۱۴۶: اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود، اگر بدانند که صاحبش آن چیز را در خوردن و آشامیدن استعمال می‌کند، واجب است به او بگوید.

مُطَهَّرَات

مسأله ۱۴۸: ده چیز نجاست را پاک می‌کند و آن‌ها را مطهرات گویند: اول، آب. دوم، زمین. سوم، آفتاب. چهارم، استحاله. پنجم، انتقال. ششم، اسلام. هفتم، تبعیت. هشتم، بر طرف شدن عین نجاست. نهم، استبراء حیوان نجاست خوار. دهم، غائب شدن مسلمان.

۱- آب

مسأله ۱۴۹: آب با چهار شرط، شیء نجس را پاک می‌کند: اول آن که مطلق باشد؛ پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید، چیز نجس را پاک نمی‌کند، دوم آن که پاک باشد، سوم آن که وقتی شیء نجس را می‌شویند آب مضاف نشود و بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکند، چهارم آن که بعد از آب کشیدن شیء نجس عین نجاست در آن نباشد و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل، یعنی آب کم‌تر از کر، شرط‌های دیگری هم دارد که بعداً گفته می‌شود.

مسأله ۱۵۰: ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، بلکه در کر و جاری هم احتیاط سه مرتبه است گرچه اقوی کفایت یک مرتبه است، ولی ظرفی که سگ لیسیده یا از آن ظرف آب یا چیز روان دیگر خورده، باید اول با خاک پاک، خاک مال کرد و بعد بنابر احتیاط واجب

دو مرتبه در کر یا جاری یا آب قلیل شست، و همچنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاک مال کرد.

مسأله ۱۵۹: اگر چیزی نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می‌شود. و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند این‌ها را طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود.

مسأله ۱۶۰: اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می‌شود. ولی در لباس و فرش و مانند این‌ها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غساله آن بیرون آید (و غساله آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می‌شود خود به خود یا به وسیله فشار بیرون می‌ریزد).

مسأله ۱۶۲: اگر چیزی به غیر بول نجس شود، چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود پاک می‌گردد. و نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می‌ریزند نجاست آن بر طرف شود و بعد از برطرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید پاک می‌شود. ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غساله آن بیرون آید.

مسأله ۱۶۴: اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند این‌ها نجس شود به فرو بردن در کر و جاری پاک می‌گردد. و اگر باطن آن‌ها نجس شود پاک نمی‌گردد.

مسئله ۱۶۵ : اگر انسان شک کند که آب نجس به باطن صابون رسیده یا نه، باطن آن پاک است.

مسئله ۱۶۶ : اگر ظاهر برنج و گوشت و یا چیزی مانند این‌ها نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می‌شود. و ظرف آن هم پاک می‌شود. ولی اگر بخواهند لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند باید در هر مرتبه که آب روی آن می‌ریزند آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند، تا غساله‌ای که در آن جمع شده بیرون بریزد.

مسئله ۱۶۸ : اگر لباسی را در کر یا جاری آب بکشند و بعد مثلاً لجن آب در آن ببینند، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسیدن آب کرده آن لباس پاک است.

مسئله ۱۷۰ : هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن بر طرف نکنند پاک نمی‌شود. ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند پاک می‌باشد، اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده نجس است.

مسئله ۱۷۱ : اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری بر طرف کنند بدن پاک می‌شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست.

مسئله ۱۷۲ : غذای نجسی که لای دندان‌ها مانده اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد پاک می‌شود.

مسئله ۱۷۵ : گوشت و دنبه‌ای که نجس شده مثل چیزهای دیگر آب کشیده می‌شود و هم‌چنین است اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آن‌ها جلوگیری نکند.

مسأله ۱۷۷ : چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، اگر زیر شیری که متصل به کر است یک دفعه بشویند پاک می‌شود، و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن، زیر شیر یا به وسیله دیگر برطرف شود. و آبی که از آن چیز می‌ریزد بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست به خود نگرفته باشد با آب شیر پاک می‌گردد. اما اگر آبی که از آن می‌ریزد بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست به خود گرفته باشد باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا می‌شود بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست نباشد.

مسأله ۱۷۸ : اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک کند که عین نجاست را از آن بر طرف کرده یا نه، چنانچه موقع آب کشیدن متوجه بر طرف کردن عین نجاست بوده آن چیز پاک است و اگر متوجه بر طرف کردن عین نجاست نبوده بنا بر احتیاط مستحب باید دوباره آن را آب بکشد.

۲- زمین

مسأله ۱۸۳ : زمین باسه شرط کف پا و ته کفش نجس را پاک می‌کند: اول آن که زمین پاک باشد. دوم آن که خشک باشد. سوم آن که اگر عین نجس مانند خون و بول، یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین بر طرف شود. و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند این‌ها باشد و با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا و ته کفش نجس پاک نمی‌شود، و اگر به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد پاک شدنش به واسطه راه رفتن اشکال دارد.

مسأله ۱۸۴ : پاک شدن کف پا و ته کفش نجس به واسطه راه رفتن

روی آسفالت و روی زمین که با چوب فرش شده محلّ اشکال است.

مسأله ۸۵: برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است پانزده قدم یا بیش تر راه بروند، اگرچه به کم تر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین نجاست بر طرف شود.

مسأله ۸۷: بعد از آن که کف پا یا ته کفش نجس به واسطه راه رفتن پاک شد مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می شود اگر زمین یا خاک به آن اطراف برسد پاک می گردد.

۳- آفتاب

مسأله ۹۱: آفتاب، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند در و پنجره در ساختمان به کار برده شده، و همچنین میخ را که به دیوار کوبیده اند و جزء ساختمان حساب می شود با شش شرط پاک می کند: اوّل آن که چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود، پس اگر خشک باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب آن را خشک کند. دوّم آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب آن را بر طرف کنند. سوّم آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند این ها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی شود، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد. چهارم آن که آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود پاک نمی گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده اشکال ندارد. پنجم آن که آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته یک مرتبه خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و

روی آن را خشک کند، و دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می شود و زیر آن نجس می ماند. ششم آن که ما بین روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد و داخل آن هوا یا جسم پاک دیگری فاصله نباشد.

مسأله ۱۹۲: آفتاب، حصیر نجس را پاک می کند و هم چنین درخت و گیاه به واسطه آفتاب پاک می شود.

۴- اِسْتِحَالِه

مسأله ۱۹۵: اگر جنس چیز نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید پاک می شود، و می گویند استحاله شده است. مثل آن که چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد. یا سگ در نمکزار فرو رود و نمک شود، ولی اگر جنس آن عوض نشود مثل آن که گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند پاک نمی شود.

۵- کم شدن دو سوّم آب انگور

مسأله ۲۰۲: آب انگوری که جوش آمده پیش از آن که ثلثان شود، یعنی دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند نجس نیست، ولی خوردن آن حرام است، ولی اگر ثابت شود که مست کننده است حرام و نجس می باشد، و فقط به سرکه شدن پاک و حلال می شود.

۶- اِنْتِقَال

مسأله ۲۰۵: اگر خون بدن انسان و یا خون حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود پاک می گردد، و این را انتقال می گویند. پس خونی که زالو از انسان

می‌مکد چون خون زالو به آن گفته نمی‌شود و می‌گویند خون انسان است نجس می‌باشد.

مسأله ۲۰۶: اگر کسی پشه‌ای را که به بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه می‌باشد، پاک است و هم‌چنین است اگر بداند از او مکیده ولی جزء بدن پشه حساب شود. اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است، یا معلوم نباشد که می‌گویند خون پشه است یا خون انسان نجس می‌باشد.

۷- اسلام

مسأله ۲۰۷: اگر کافر شهادتین بگوید یعنی بگوید: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) مسلمان می‌شود و بعد از مسلمان شدن بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است. ولی اگر موقع مسلمان شدن عین نجاست به بدن او بوده باید بر طرف کند و جای آن را آب بکشد، ولی اگر پیش از مسلمان شدن عین نجاست بر طرف شده باشد لازم نیست جای آن را آب بکشد.

۸- تبعیت

مسأله ۲۱۰: تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود.

مسأله ۲۱۱: اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به آنجا رسیده پاک می‌شود، و کهنه و چیزی که معمولاً روی آن می‌گذارند اگر به آن رطوبت نجس شود پاک می‌گردد. بلکه اگر موقع جوشیدن سر برود و پشت ظرف به آن آلوده شود. بعد از

سرکه شدن پشت ظرف هم پاک می‌شود.

مسأله ۲۳: کسی که چیزی را با دست خود آب می‌کشد اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود بعد از پاک شدن آن چیز دست او هم پاک می‌شود.

۹- برطرف شدن عین نجاست

مسأله ۲۴: اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آن‌ها بر طرف شود، بدن آن حیوان پاک می‌شود. و هم‌چنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی. مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود، آب کشیدن توی دهان لازم نیست. ولی اگر دندان عاریه در دهان نجس شود، باید آن را آب بکشند به احتیاط واجب.

مسأله ۲۵: اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، چنانچه انسان نداند که خون به غذا رسیده آن غذا پاک است و اگر خون به آن برسد بنا بر احتیاط واجب نجس می‌شود.

مسأله ۲۶: جایی را که انسان نمی‌داند از ظاهر بدن است یا باطن آن اگر نجس شود لازم نیست آب بکشد اگرچه آب کشیدن احوط است.

استبراء حیوان نجاست خوار

مسأله ۲۷: بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده نجس است و اگر بخواهند پاک شود باید آن را استبراء کنند، یعنی تا مدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاست خوار به آن نگویند، نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهند، و بایدشتر نجاست خوار را چهل روز و گاو را بیست روز و گوسفند را ده روز و مرغابی را هفت یا

پنج روز و مرغ خانگی را سه روز از خوردن نجاست جلوگیری کنند و غذای پاک به آن‌ها بدهند.

۱۱- غائب شدن مسلمان

مسئله ۲۲۱: اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که مانند ظرف و فرش در اختیار او است نجس شود و آن مسلمان غائب گردد اگر انسان احتمال بدهد که آن چیز را آب کشیده یا به واسطه آن که مثلاً آن چیز در آب جاری افتاده پاک شده است اجتناب از آن لازم نیست

مسئله ۲۲۳: کسی که وکیل شده است لباس انسان را آب بکشد و لباس هم در تصرف او باشد اگر بگوید آب کشیدم، آن لباس پاک است.

احکام ظرف‌ها

مسئله ۲۲۶: خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و استعمال آن‌ها حرام است ولی استعمال آن‌ها در زینت اطاق حرام نیست، و نگاه داشتن نیز حرام نمی‌باشد.

مسئله ۲۲۹: گیره استکان که از طلا یا نقره می‌سازند اگر بعد از برداشتن استکان به آن ظرف گفته شود، استعمال آن چه به تنهایی و چه با استکان حرام است و اگر ظرف به آن گفته نشود استعمال آن مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۰: استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند اشکال ندارد.

وضو

مسأله ۲۳۶ : در وضو واجب است صورت و دست‌ها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.

مسأله ۲۳۷ : درازای صورت را باید از بالای پیشانی - جائی که موی سر بیرون می‌آید - تا آخر چانه شست و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد باید شسته شود، و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است و برای آن که یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

مسأله ۲۴۰ : اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آب را به پوست برساند، و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است، و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

مسأله ۲۴۳ : باید صورت و دست‌ها را از بالا به پائین شست، و اگر از پائین به بالا بشوید وضو باطل است.

مسأله ۲۴۴ : اگر دست را تر کند و به صورت و دست‌ها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی بر آن‌ها جاری شود کافی است.

مسأله ۲۴۵ : بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشت‌ها بشوید.

مسأله ۲۴۶ : برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

مسأله ۲۴۷ : کسی که پیش از شستن صورت دست‌های خود را تا مچ شسته، در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضوی او باطل است.

مسأله ۲۴۸: در وضو شستن صورت و دست‌ها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جائز و مرتبه سوم و بیش‌تر از آن حرام می‌باشد، و اگر با یک مشت آب تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد یک مرتبه حساب می‌شود چه قصد بکند یک مرتبه را یا قصد نکند.

مسأله ۲۴۹: بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید.

مسأله ۲۵۰: یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است جای مسح سر می‌باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است، اگرچه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه‌ی درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه‌ی پهنای سه انگشت بسته مسح نماید.

مسأله ۲۵۱: لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است. ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد، یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند. یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید، و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آن‌ها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند، باطل است.

مسأله ۲۵۲: بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتان تا برآمدگی روی پا مسح کند.

مسأله ۲۵۳: پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی بهتر آن است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید، و بهتر از آن

مسح تمام روی پا است.

مسئله ۲۵۴: اگر در مسح پا همه دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد صحیح است.

مسئله ۲۵۵: در مسح سر و روی پا باید دست را روی آن‌ها بکشد، و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

مسئله ۲۵۶: جای مسح باید خشک باشد. و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است، ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می‌شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد.

مسئله ۲۵۷: اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمی‌تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

مسئله ۲۵۸: اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می‌تواند سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد.

مسئله ۲۶۰: اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد باید تیمم نماید.

وضوی ارتماسی

مسئله ۲۶۱: وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا آن‌ها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد. و اگر موقعی که دست‌ها را در آب فرو می‌برد نیت وضو کند

و تا وقتی که آن‌ها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به قصد وضو باشد وضوی او صحیح است، و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام می‌شود به قصد وضو باشد وضوی او صحیح می‌باشد.

مسأله ۲۶۲: در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دست‌ها از بالا به پائین شسته شود. پس اگر وقتی که صورت و دست‌ها را در آب فرو می‌برد قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دست‌ها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دست‌ها را از طرف آرنج بیرون آورد.

مسأله ۲۶۳: اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد.

شرایط وضو

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است:

شرط اوّل - آن که آب وضو پاک باشد.

شرط دوّم - مطلق باشد.

مسأله ۲۵۶: وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است، اگرچه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد، و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

مسأله ۲۶۶: اگر غیر از آب گل آلود و مضاف آب دیگری برای وضو ندارد. چنانچه وقت نماز تنگ است باید تیمّم کند، و اگر وقت دارد

احتیاط واجب آن است که صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

شرط سوّم - آن که آب وضو مباح باشد.

مسأله ۲۶۷: وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه حرام و باطل است، ولی اگر سابقاً راضی بوده و انسان نمی‌داند که از رضایتش برگشته یا نه وضو صحیح است، و نیز اگر آب وضو از صورت و دست‌ها در جای غصبی بریزد، وضوی او صحیح است.

مسأله ۲۶۹: کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند اگر نداند که حوض آن را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می‌خوانند، نمی‌تواند از حوض آن وضو بگیرد، ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی‌خواهند در آنجا نماز بخوانند از حوض آن وضو می‌گیرند، می‌تواند از حوض آن وضو بگیرد.

مسأله ۲۷۰: وضو گرفتن از حوض تیمچه‌ها و مسافر خانه‌ها و مانند این‌ها برای کسانی که ساکن آن‌جاها نیستند، در صورتی صحیح است که معمولاً کسانی هم که ساکن آن‌جاها نیستند با آب آن‌ها وضو بگیرند.

شرط چهارم - آن که ظرف آب وضو مباح باشد.

شرط پنجم - آن که ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

مسأله ۲۷۳: اگر آب وضو در ظرف طلا یا نقره یا غصبی باشد و غیر از آن آب دیگری نداشته باشد باید تیمّم کند و اگر وضو بگیرد در ظرف غصبی باطل است و در ظرف طلا و نقره بنا بر احتیاط واجب باید تیمّم کند و در صورتی که با مشمت یا چیز دیگر آب از آن‌ها بردارد و به صورت و دست‌ها بریزد وضوی او صحیح است.

شرط ششم - آن که اعضاء وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد.
مسأله ۲۷۶ : اگر پیش از تمام شدن وضو جایی را که شسته یا مسح کرده، نجس شود وضو صحیح است.

مسأله ۲۷۸ : اگر یکی از اعضاء وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آن جا را آب کشیده یا نه، چنانچه در موقع وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آنجا نبوده وضو باطل است، و اگر می داند ملتفت بوده، یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه وضو صحیح است. و در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد.

مسأله ۲۷۹ : اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، بعد به دستوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد.

شرط هفتم - آن که وقت برای وضو و نماز کافی باشد.
مسأله ۲۸۰ : هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند، ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم باشد باید وضو بگیرد.

شرط هشتم - آن که به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد، و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است.

مسأله ۲۸۲ : لازم نیست نیت وضو را به زبان بگویند یا از قلب بگذرانند ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می گیرد. به طوری که اگر از او پرسیدند چه می کنی بگوید وضو می گیرم.

شرط نهم - آن که وضو را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید و باید پای راست را پیش از پای چپ مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است.

شرط دهم - آن که کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد.

مسأله ۲۸۳ : اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جائی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است. و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلّی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد مثلاً موقعی که می‌خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، وضو صحیح است.

مسأله ۲۸۴ : اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد ولی به واسطه‌ی گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند این‌ها رطوبت خشک شده باشد وضوی او صحیح است.

شرط یازدهم - آن که شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها به او کمک نماید وضو باطل است.

شرط دوازدهم - آن که استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

شرط سیزدهم - آن که در اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.

مسأله ۲۹۰ : اگر می‌داند چیزی به اعضاء وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

مسأله ۲۹۵: اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند که در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه، وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که موقع وضو ملتفت آن مانع نبوده باید دوباره وضو بگیرد.

مسأله ۲۹۷: اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضاء وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد.

احکام وضو

مسأله ۲۹۹: کسی که در کارهای وضو و شرائط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کند باید به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۳۰۱: کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد.

مسأله ۳۰۳: اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه نماز او صحیح است، ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

مسأله ۳۰۴: اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او باطل است، و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند.

مسأله ۳۰۵: اگر بعد از نماز شک کند، که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز، نمازی که خوانده صحیح است.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

مسأله ۳۱۶: برای شش چیز باید وضو گرفت: اول، نمازهای واجب غیر از نماز میت. دوم، برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها

و نماز حدثی از او سر زده مثلاً بول کرده باشد. سوّم، برای طواف واجب خانه کعبه. چهارم، اگر نذر یا عهد کرده باشد یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد. پنجم، اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند. ششم، برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند، ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی احترامی به قرآن باشد باید بدون اینکه وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون بیاورد یا اگر نجس شده آن را آب بکشد و تا ممکن است از دست گذاشتن به خط قرآن خودداری کند.

مسأله ۳۱۷: مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد.

مسأله ۳۱۹: کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد مس نماید. و مس اسم مبارک پیغمبر اکرم ﷺ و امام و حضرت زهرا علیها السلام هم اگر هتک و بی احترامی باشد حرام است. و بنابر احتیاط واجب چنانچه بی احترامی هم نباشد مس ننماید.

مسأله ۳۲۰: اگر پیش از وقت نماز به قصد این که با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است و نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهتیا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد.

مسأله ۳۲۱: کسی که یقین دارد وقت داخل شده اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده، وضوی او صحیح است.

چیزهایی که وضو را باطل می‌کند

مسأله ۳۲۳: هفت چیز وضو را باطل می‌کند: اول بول. دوم غائط. سوم باد معده و روده که از مخرج غائط خارج می‌شود. چهارم خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی‌شود. پنجم چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. ششم استحاضه زنان. هفتم کاری که برای آن باید غسل کرد، مانند جنابت.

احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند، جبیره نامیده می‌شود.

مسأله ۳۲۴: اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت.

مسأله ۳۲۵: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست‌ها باشد و روی آن باز باشد و آب ریختن روی آن ضرر داشته باشد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است ولی چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بهتر آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد پارچه پاک روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم بکشد. و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی‌شود آب کشید، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا به پایین بشوید و بنابر احتیاط مستحب پارچه پاک روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد، و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست شستن اطراف زخم کافی است و در هر صورت تیمم لازم نیست.

مسأله ۳۲۶: اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاهای باشد و روی آن باز باشد، چنانچه نتواند روی آن را مسح کند، باید پارچهٔ پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و بنا بر احتیاط مستحب تیمم هم بنماید، و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح هم بگیرد.

مسأله ۳۲۷: اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است و زحمت و مشقت هم ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دست‌ها باشد، یا جلوی سر و روی پاهای.

مسأله ۳۲۸: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست‌ها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، واجب است دست تر روی آن بکشد.

مسأله ۳۲۹: اگر نمی‌شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و مشقت هم ندارد، باید آب را به روی زخم برساند، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم بدون زحمت و مشقت ممکن باشد، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند، و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست، یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید، و اگر جبیره پاک است روی آن را مسح کند، و اگر جبیره نجس است یا نمی‌شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً دوایی است که به دست می‌چسبد، پارچهٔ پاکی را به طوری که جزء جبیره حساب شود، روی آن

بگذارد و دست تر روی آن بکشد، و اگر این هم ممکن نیست احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید.

مسأله ۳۳۰: اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند.

مسأله ۳۳۱: اگر جبیره تمام یا بیش‌تر اعضاء وضو را بگیرد باید تیمم بنماید.

مسأله ۳۳۶: اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای تمام دست و صورت ضرر دارد، باید تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که وضوی جبیره‌ای هم بگیرد، ولی اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد چنانچه اطراف آن را بشوید کافی بودن بعید نیست، ولی احتیاط به تیمم ترک نشود.

مسأله ۳۳۸: اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقت دارد که نمی‌شود تحمل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند.

مسأله ۳۳۹: غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی باید آن را ترتیبی به جا آورند و اگر ارتماسی انجام دهند باطل است.

برای آگاهی از غسل‌های واجب و احکام آن به رساله عملیه مراجعه فرمائید.

تیمم

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد.

اول از موارد تیمم

آن که تهیّه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.

مسأله ۶۴۸: اگر انسان در آبادی باشد، باید برای تهیّه آب وضو و غسل، به قدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود، و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است و یا به واسطه درخت و مانند آن عبور در آن زمین مشکل است باید در هر یک از چهار طرف به اندازه‌ی پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می‌کردند در جستجوی آب برود و اگر زمین آن این طور نیست، باید در هر طرف به اندازه‌ی پرتاب دو تیر جستجو نماید.

مسأله ۶۵۹: اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، در جایی که جستجو کرده آب بوده نماز او صحیح است.

دوم از موارد تیمم

مسأله ۶۶۴: اگر به واسطهٔ پیری، یا ترس از دزد و جانور و مانند این‌ها یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند و همچنین است اگر تهیّه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقت داشته باشد که مردم تحمل آن را نکنند.

سوم از موارد تیمم

مسأله ۶۶۹: اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که به واسطه استعمال آن مرضی یا عیبی در او پیدا شود، یا مرضش طول بکشد یا شدت کند یا به سختی معالجه شود باید تیمم نماید، ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

مسأله ۶۷۰: لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود باید تیمم کند.

چهارم از موارد تیمم

مسأله ۶۷۴: هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند خود او یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد باید به جای وضو و غسل تیمم نماید و نیز اگر بترسد حیوانی که مانند اسب و قاطر معمولاً برای خوردن سرش را نمی‌برند از تشنگی تلف شود، باید آب را به آن بدهد و تیمم کند اگرچه حیوان مال خودش نباشد و هم‌چنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه باشد که اگر انسان آب را به او ندهد تلف شود.

پنجم از موارد تیمم

مسأله ۶۷۶: کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، برای آب کشیدن لباس او نمی‌ماند باید بدن یا لباس خود را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند. ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

ششم از موارد تیمم

مسأله ۶۷۷: اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد، مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن آب و

ظرف دیگری ندارد باید به جای وضو و غسل تیمم کند.

هفتم از موارد تیمم

مسأله ۶۷۸: هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.

چیزهای که تیمم به آنها صحیح است

مسأله ۶۸۴: تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ اگر پاک باشند صحیح است، و به گل پخته مثل آجر و کوزه نیز صحیح است.

مسأله ۶۸۵: تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگ‌ها صحیح است ولی تیمم به جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می‌باشد. و احتیاط واجب آن است که با بودن خاک یا چیز دیگری که تیمم به آن صحیح است به گچ و آهک پخته تیمم نمایند و در صورت نبودن یکی از آنها احتیاط واجب آن است که هم تیمم بر گچ یا آهک پخته نموده و هم بر گرد و غبار یا گل و چنانچه گرد و غبار یا گل نباشد احتیاط واجب آن است که تیمم بر یکی از آن دو نموده نماز را بخواند و بعد اعاده یا قضا نماید.

مسأله ۲۹۲: چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم بر آن صحیح است ندارد، نماز بر او واجب نیست ولی باید قضای آن را به جا آورد.

مسأله ۶۹۴: چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید غصبی نباشد.

دستور تیمم

مسأله ۷۰۰: در تیمم چهار چیز واجب است: اول نیت. دوم زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است. سوم کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید، تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم، کشیده شود. چهارم کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

مسأله ۷۰۱: تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند.

احکام تیمم

مسأله ۷۰۴: پیشانی و پشت دست‌ها را باید از بالا به پائین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آن‌ها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می‌کند، باطل است.

مسأله ۷۰۶: در تیمم باید پیشانی و کف دست‌ها و پشت دست‌ها پاک باشد و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، باید با همان کف دست نجس تیمم کند.

مسأله ۷۰۷: انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دست‌ها مانعی باشد، مثلاً چیزی به آن‌ها چسبیده باشد، باید بر طرف نماید.

مسأله ۷۰۸: اگر پیشانی یا پشت دست‌ها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمی‌تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن

صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.

مسأله ۷۱۳: اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیمّم کرده یا نه، تیمّم او صحیح است.

مسأله ۷۲۰: چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، تیمّم بدل از وضو را هم باطل می‌کند، و چیزهایی که غسل را باطل می‌کند تیمّم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.

احکام نماز

نماز مهم‌ترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود. و همان‌طور که اگر انسان شبانه‌روزی پنج نوبت در نهر آبی شست و شو کند، چرک در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند. و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمارد، مانند کسی است که نماز نمی‌خواند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به نماز اهمّیت ندهد و آن را سبک شمارد سزاوار عذاب آخرت است.

روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند مردی وارد و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را کاملاً به جا نیاورد، حضرت فرمود: اگر این مرد در حالی که نمازش این‌طور است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است. پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتاب زدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد. و متوجّه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند و اگر انسان در موقع نماز کاملاً به این مطلب توجّه کند، از خود بی‌خبر می‌شود، چنانچه در حال

نماز تیر از پای مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند. نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناहانی که مانع قبول شدن نماز است مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات بلکه هر معصیتی را ترک کند. و همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می‌کند به جا نیآورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد، و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند به جا آورد. مثلاً انگشتی عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است. اول نماز یومیّه. دوم نماز آیات. سوم نماز میت. چهارم نماز طواف واجب خانه کعبه. پنجم نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است. ششم نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می‌شود.

نمازهای واجب یومیّه

نمازهای واجب یومیّه پنج است. ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشاء چهار رکعت، صبح دو رکعت.

احکام وقت نمازها

مسأله ۷۴۲: موقعی انسان می‌تواند مشغول نماز شود، که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند.

مسأله ۷۴۷: اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه به جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز، مقداری از آن بعد از وقت

خوانده می‌شود، باید آن مستحبّ را به جا نیاورد. مثلاً اگر به واسطه خواندن قنوت، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید قنوت نخواند و اگر بخواند معصیت کرده ولی نماز او صحیح است.

مسأله ۷۴۸: کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

مسأله ۷۵۳: کسی که مسائل نماز و شکّیات و سهویّات نماز را نمی‌داند احتمال می‌دهد که یکی از این‌ها در نماز پیش آید باید برای یاد گرفتن این‌ها نماز را از اوّل وقت تأخیر بیندازد ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می‌کند، می‌تواند در اوّل وقت مشغول نماز شود، پس اگر در نماز مسأله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش نیاید نماز او صحیح است و اگر مسأله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش آید، می‌تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می‌دهد عمل نماید و نماز را تمام کند. ولی بعد از نماز باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده، دوباره بخواند.

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

مسأله ۷۵۵: انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

احکام قبله

مسأله ۷۷۶: خانه کعبه که در مکه می‌باشد قبله است، و باید روبروی آن نماز خواند، ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو

به قبله نماز می خواند کافی است و همچنین است کارهای دیگری که مانند سربریدن حیوانات، باید رو به قبله انجام گیرد.

لباس نمازگزار

مسأله ۷۹۸: لباس نمازگزار شش شرط دارد: اول آن که پاک باشد. دوم آن که مباح باشد. سوم آن که از اجزاء مردار نباشد. چهارم آن که از حیوان حرام گوشت نباشد. پنجم و ششم آن که اگر نمازگزار مرد است، لباس او از ابریشم خالص و طلا باف نباشد. و تفصیل اینها در مسائل آینده می آید.

شرط اول

مسأله ۷۹۹: لباس نمازگزار باید پاک باشد و اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسأله ۸۰۲: اگر نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد، دوباره آن نماز را بخواند.

مسأله ۸۰۳: اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسأله ۸۰۷: کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، نماز او صحیح است.

مسأله ۸۰۹: اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست، مثلاً یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد

از نماز بفهمد که از خون‌هایی بوده که نمی‌شود با آن نماز خواند، نماز او صحیح است.

مسأله ۸۱۰: هرگاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است، مثلاً یقین کند خون زخم و دمل است، اگر چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است نمازش صحیح است.

مسأله ۸۱۱: اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است. ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و بدون آن که خود را آب بکشد، غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است. و نیز اگر جایی از اعضاء وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و پیش از آن که آن جا را آب بکشد، وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می‌باشد.

شرط دوّم

مسأله ۸۱۵: لباس نمازگزار باید مباح باشد و کسی که می‌داند پوشیدن لباس غصبی حرام است، اگر عمداً در لباس غصبی یا در لباسی که نخ یا دکمه یا چیز دیگر آن غصبی است نماز بخواند باید آن نماز را با لباس غیر غصبی اعاده نماید.

شرط سوّم

مسأله ۸۲۱: لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند، خون از آن جستن

می‌کند، نباشد. بلکه اگر از حیوان مرده‌ای که مانند ماهی و مار خون جهنده ندارد لباس تهیته کند، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

شرط چهارم

مسأله ۸۲۴: لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر موئی از آن هم همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

شرط پنجم

مسأله ۸۳۱: پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

مسأله ۸۳۲: زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آن‌ها باطل است. و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند، ولی زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

مکان نمازگزار

مکان نمازگزار چند شرط دارد: شرط اول آن که مباح باشد.

مسأله ۸۶۶: کسی که در ملک غصبی نماز می‌خواند اگرچه روی فرش و تخت و مانند این‌ها باشد، نمازش باطل است ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی مانعی ندارد.

مسأله ۸۶۷: نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است بدون اجازه کسی که منفعت ملک، مال او می‌باشد باطل است، مثلاً در

خانه اجاره‌ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده نماز بخواند. مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی‌شود در ملک او نماز خواند.

شرط دوم آن که مکان نمازگزار بی حرکت باشد.

مسأله ۸۸۰: مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد و اگر به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جایی که حرکت دارد، مانند اتومبیل و کشتی و ترن نماز بخواند، به قدری که ممکن است باید در حال حرکت چیزی نخواند و اگر آن‌ها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند به طرف قبله برگردد.

شرط سوم آن که در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی‌تواند در آن جا راست بایستد یا به اندازه‌ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد نماز نخواند و اگر ناچار شود که در چنین جایی نماز بخواند باید به قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را به جا آورد.

شرط چهارم آن که مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد ولی جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است، و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

شرط پنجم آن که جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد، و احتیاط واجب آن است که از سر انگشتان پا هم بیش‌تر از این پست‌تر و بلندتر نباشد.

اذان و اقامه

مسأله ۹۱۶: برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای یومیّه اذان و اقامه بگویند، ولی پیش از نماز عید فطر و قربان، مستحب است سه مرتبه بگویند: (الصلّاة) و در نمازهای واجب دیگر سه مرتبه (الصلّاة) را به قصد رجاء بگویند.

مسأله ۹۱۸: اذان هجده جمله است: الله اکبر چهار مرتبه، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً رسول الله، حیّ علی الصلّاة، حیّ علی الفلاح، حیّ علی خیر العمل، الله اکبر، لا اله الا الله هر یک دو مرتبه، و اقامه هفده جمله است یعنی دو مرتبه الله اکبر از اول اذان و یک مرتبه لا اله الا الله از آخر آن کم می‌شود و بعد از گفتن حیّ علی خیرالعمل باید دو مرتبه قد قامت الصلّاة اضافه نمود.

واجبات نماز

واجبات نماز یازده چیز است: اوّل نیت. دوّم قیام یعنی (ایستادن). سوّم تکبیرة الاحرام یعنی گفتن الله اکبر در اوّل نماز. چهارم رکوع. پنجم سجود. ششم قرائت. هفتم ذکر. هشتم تشهد. نهم سلام. دهم ترتیب. یازدهم موالات یعنی پی در پی بودن اجزاء نماز.

مسأله ۹۴۲: بعضی از واجبات نماز رکن است، یعنی اگر انسان آن‌ها را به جا نیاورد، یا در نماز اضافه کند عمداً باشد یا اشتباهاً، نماز باطل می‌شود. و بعضی دیگر رکن نیست. یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل می‌شود و چنانچه اشتباهاً کم یا زیاد شود نماز باطل نمی‌شود، و رکن نماز پنج چیز است: اوّل نیت. دوّم تکبیرة الاحرام. سوّم قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع یعنی ایستادن پیش از رکوع. چهارم رکوع. پنجم دو سجده

نیت

مسأله ۹۴۳: انسان باید نماز را به نیت قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد، و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربۀ الی الله.

مسأله ۹۴۶: انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند، پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است خواه فقط برای مردم باشد و یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.

تکبیرة الاحرام

مسأله ۹۴۸: گفتن الله اکبر در اوّل هر نماز واجب و رکن است و باید حروف (الله) و حروف (اکبر) و دو کلمۀ (الله اکبر) را پشت سرهم بگوید و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود و اگر به عربی غلط بگوید، یا مثلاً ترجمۀ فارسی آن را بگوید صحیح نیست.

قیام (ایستادن)

مسأله ۹۵۸: قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گویند رکن است، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.

مسأله ۹۶۰: اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود و اگر بدون این که بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده، نماز او باطل است.

مسأله ۹۶۱: موقعی که ایستاده است، باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و به جایی تکیه ندهد ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد اشکال ندارد.

مسأله ۹۶۵: موقعی که انسان در نماز می‌خواهد کمی جلو یا عقب رود، یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید ولی (بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ) را باید در حال برخاستن بگوید و در موقع گفتن ذکرهای واجب هم بدن باید بی حرکت باشد بلکه احتیاط واجب آن است که در موقع گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدنش آرام باشد.

مسأله ۹۶۶: اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگوید، چنانچه آن را به قصد ذکر می‌کند که در نماز دستور داده‌اند بگوید، باید احتیاطاً نماز را دوباره بخواند و اگر به این قصد نگوید، بلکه بخواند ذکر گفته باشد نماز صحیح است.

مسأله ۹۶۷: حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد، اشکال ندارد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که آن‌ها را هم حرکت ندهد.

قرائت

مسأله ۹۷۸: در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.

مسأله ۹۷۹: اگر وقت نماز تنگ باشد، یا انسان ناچار باشد که سوره را نخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند، دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند و اگر در کاری عجله داشته باشد می‌تواند سوره را نخواند.

مسئله ۹۸۱: اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد نماز صحیح است.

مسئله ۹۸۲: اگر پیش از آن که برای رکوع خم شود، بفهمد که حمد و سوره را نخوانده باید بخواند، و اگر بفهمد سوره را نخوانده، باید فقط سوره را بخواند ولی اگر بفهمد حمد تنها را نخوانده، باید اول حمد و بعد از آن دوباره سوره را بخواند. و نیز اگر خم شود و پیش از آن که به رکوع برسد، بفهمد حمد و سوره، یا سوره‌ی تنها، یا حمد تنها را نخوانده، باید بایستد و به همین دستور عمل نماید.

مسئله ۹۹۲: بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.

مسئله ۹۹۳: مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشاء مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند و این در صورتی است که به کلمه بعد وصل کند و در غیر این صورت بلند خواندن حرف آخر کلمه لازم نیست.

مسئله ۹۹۴: زن می‌تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

مسئله ۹۹۵: اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد صحیح است و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند.

مسأله ۱۰۰۵ : در رکعت سوّم و چهارم نماز می‌تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید یعنی سه مرتبه بگوید: (سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ) و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه را بگوید کافی است و می‌تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بگوید.

مسأله ۱۰۰۶ : در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک بار بگوید.

مسأله ۱۰۰۷ : بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوّم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند.

مسأله ۱۰۰۸ : اگر در رکعت سوّم و چهارم حمد بخواند، بنابر احتیاط واجب باید بسم الله آن را هم آهسته بگوید.

رکوع

مسأله ۱۰۲۲ : در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را رکوع می‌گویند.

مسأله ۱۰۲۸ : انسان، هر ذکری در رکوع بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ یا یک مرتبه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ کم‌تر نباشد.

مسأله ۱۰۳۳ : اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً سر بردارد، چنانچه پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده باید در حال آرامی بدن، دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آن که از حال رکوع خارج شد، یادش بیاید نماز او صحیح است.

مسأله ۱۰۴۰: بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستد و بعد از آن که بدن آرام گرفت به سجده رود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است.

مسأله ۱۰۴۱: اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آن که به سجده برسد یادش بیاید، باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد، نمازش باطل است.

مسأله ۱۰۴۲: اگر بعد از آن که پیشانی به زمین برسد، یادش بیاید که رکوع نکرده بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را به جا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

سجود

مسأله ۱۰۴۵: نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

مسأله ۱۰۴۶: دو سجده روی هم یک رکن است و اگر کسی در نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند، یا دو سجده دیگر به آن‌ها اضافه نماید، نمازش باطل است.

مسأله ۱۰۴۹: در سجده هر ذکرى بگوید کافى است ولى احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** یا یک مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** کم تر نباشد.

مسأله ۱۰۵۴: اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گویند، یکی از هفت عضو را عمداً از روی زمین بردارد، نماز باطل می‌شود ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و

دوباره بگذارد اشکال ندارد.

مسأله ۱۵۵: اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد نمی‌تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد، باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

مسأله ۱۵۶: بعد از تمام شدن ذکر سجده اول، باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره سجده رود.

مسأله ۱۶۵: مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند، باید پاک باشد، ولی اگر مثلاً مهر را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف مهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد اشکال ندارد.

مسأله ۱۷۱: اگر پیشانی، بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می‌شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید.

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

مسأله ۱۷۶: باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می‌روید، مانند چوب و برگ درخت سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی صحیح نیست و نیز سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه باطل است اما سجده کردن بر سنگ‌های معدنی مانند سنگ مرمر و سنگ‌های سیاه اشکال ندارد.

مسأله ۱۷۸: سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان

است مثل علف و کاه صحیح است.

مسئله ۱۰۷۹: سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند، صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید، مانند گل بنفشه و گل گاوزبان صحیح نیست.

مسئله ۱۰۸۱: سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می‌شود سجده کرد.

مسئله ۱۰۸۲: اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از کاه ساخته باشند، می‌شود بر آن سجده کرد و سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۸۳: برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می‌باشد، بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ و بعد از سنگ گیاه است.

مسئله ۱۰۸۶: اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مهر را بردارد دوباره به سجده رود اشکال دارد.

سجده واجب قرآن

مسئله ۱۰۹۳: در هر یک از چهار سوره والنجم، اقرء، الم تنزیل، و حم سجده یک آیه سجده است، که اگر انسان بخواند یا گوش به آن دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

تَشَهُد

مسئله ۱۱۰۰: در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز

مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند یعنی بگوید: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ** **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**.

مسأله ۱۱۰۲: اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند، و بنابر احتیاط واجب برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد.

سلام نماز

مسأله ۱۱۰۵: بعد از تشهد آخر نماز مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ** و بعد از آن باید بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ** و بنا بر احوط استحبابی (احتیاط مستحب) آن است که بگوید **وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ** یا بگوید **السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ**.

ترتیب

مسأله ۱۱۰۸: اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند، یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می‌باشد.

مسأله ۱۱۰۹: اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد، مثلاً پیش از آن که رکوع کند دو سجده نماید، نماز باطل است.

مسأله ۱۱۱۰: اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و

رکن نیست به جا آورد، مثلاً پیش از آن که دو سجده کند تشهد بخواند، باید رکن را به جا آورد و آنچه را اشتباهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند.

مسأله ۱۱۱۱ : اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.

مسأله ۱۱۱۳ : اگر سجده اول را به خیال این که سجده دوم است، یا سجده دوم را به خیال این که سجده اول است به جا آورد، نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می شود.

موالات

مسأله ۱۱۱۴ : انسان باید نماز را با موالات بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می خواند به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند نمازش باطل است گرچه به طور سهوی باشد.

قنوت

مسأله ۱۱۱۷ : در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است قنوت بخواند، و در نماز وتر با آن که یک رکعت می باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است، و نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد.

مُبَطَّلَاتِ نَمَاز

مسأله ۱۱۲۶ : دوازده چیز است که نماز را باطل می‌کند و آن‌ها را مبطلات می‌گویند: اول آن که در بین نماز یکی از شرط‌های آن از بین برود، مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است، دوّم آن که در بین نماز عمداً یا سهواً یا از روی ناچاری چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلاً بول از او بیرون آید، ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید نمازش باطل نمی‌شود و نیز اگر از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد نمازش صحیح است.

مسأله ۱۱۲۹ : سوّم از مبطلات نماز آن است که مثل بعض کسانی که شیعه نیستند دست‌ها را روی هم بگذارد.

مسأله ۱۱۳۰ : چهارم از مبطلات نماز آن است که بعد از خواندن حمد، آمین بگوید ولی اگر اشتبهاً یا از روی تقیّه بگوید، نمازش باطل نمی‌شود.

پنجم از مبطلات نماز آن است که عمداً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند. یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر عمداً به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگرچه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است.

مسأله ۱۱۳۱ : ششم از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه‌ای بگوید که از آن کلمه قصد معنی کند اگرچه معنی هم نداشته باشد و یک حرف هم باشد بلکه اگر قصد هم نکند بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند در صورتی که دو حرف یا بیش‌تر باشد، ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی‌شود.

هفتم از مبطلات نماز خنده با صدا و عمدی است و چنان که سهواً با صدا بخندد یا لبخند بزند نمازش باطل نمی‌شود.

مسأله ۱۱۵۱: اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً رنگش سرخ شود، چنانچه از صورت نمازگزار بیرون رود، باید نمازش را دوباره بخواند.

هشتم از مبطلات نماز آن است که برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند، ولی اگر برای دنیا بی صدا گریه کند اشکال ندارد و اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است.

نهم از مبطلات نماز کاری است که صورت نماز را بر هم بزند مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند این‌ها کم باشد یا زیاد، عمداً باشد یا از روی فراموشی. ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد.

دهم از مبطلات نماز، خوردن و آشامیدن است. اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می‌خواند.

مسأله ۱۱۵۵: اگر در بین نماز، غذایی را که لای دندانها مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی‌شود. اگر قند یا شکر و مانند این‌ها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم آب شود و فرو رود نمازش اشکال پیدا می‌کند.

یازدهم از مبطلات نماز شک در رکعت‌های نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است.

دوازدهم از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید.

شکّیات

شکّیات نماز بیست و سه قسم است. هشت قسمت آن شک‌هایی است که نماز را باطل می‌کند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نه قسم دیگر آن صحیح است.

شک‌های مبطل

مسأله ۱۱۵۱ : شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است:

اول شک در شماره رکعت‌های نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در شماره رکعت‌های نماز مستحب دو رکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط نماز را باطل نمی‌کند. دوّم شک در شماره رکعت‌های نمازهای سه رکعتی.

سوم آن که در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیش‌تر.

چهارم آن که در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوّم، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیش‌تر، در این صورت نمازش باطل است و باید اعاده کند، و بهتر آن است که عمل به حکم شک نماید و نماز را اعاده کند.

پنجم شک بین دو و پنج یا دو و بیش‌تر از پنج.

ششم شک بین سه و شش یا سه و بیش‌تر از شش.

هفتم شک در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده است.

هشتم شک بین چهار و شش یا چهار و بیش‌تر از شش چه پیش از تمام شدن سجده دوّم باشد یا بعد از آن.

مسأله ۱۱۶۶: اگر یکی از شک‌های باطل کننده برای انسان پیش آید، نمی‌تواند نماز را به هم بزند، ولی اگر به قدری فکر کند که شک پابرجا شود به هم زدن نماز مانعی ندارد.

شک‌هایی که نباید به آن‌ها اعتنا کرد

مسأله ۱۱۶۷: شک‌هایی که نباید به آن‌ها اعتنا کرد از این قرار است:

اول شک در چیزی که محل به جا آوردن آن گذشته است، مثل آن که در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه.

دوم شک بعد از سلام نماز.

سوم شک بعد از گذشتن وقت نماز.

چهارم شک کثیرالشک یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.

پنجم شک امام در شماره‌ی رکعت‌های نماز در صورتی که مأموم شماره آن‌ها را بداند و هم‌چنین شک مأموم در صورتی که امام شماره رکعت‌های نماز را بداند.

ششم شک در نماز مستحبی.

۱- شک در چیزی که محل آن گذشته است

مسأله ۱۱۶۸: اگر در بین نماز شک کند که یکی از کارهای واجب را انجام داده یا نه، مثلاً شک کند که حمد خوانده یا نه، چنانچه مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد نشده، باید آن‌چه را که در انجام آن شک کرده به جا آورد، و اگر مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد شده به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۱۱۷۱: اگر در حالی که به سجده می‌رود شک کند که رکوع کرده یا نه، یا شک کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۱۱۷۲: اگر در حال برخاستن شک کند که تشهد را به جا آورده یا نه، باید اعتنا نکند ولی اگر شک کند که سجده را به جا آورده یا نه باید برگردد و به جا آورد.

مسأله ۱۱۷۴: اگر شک کند که یکی از رکن‌های نماز را به جا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده، باید آن را به جا آورد مثلاً اگر پیش از خواندن تشهد شک کند دو سجده را به جا آورده یا نه باید به جا آورد و چنانچه بعد یادش بیاید که آن رکن را به جا آورده بوده، چون رکن زیادشده نمازش باطل است.

مسأله ۱۱۷۶: اگر شک کند که رکنی را به جا آورده یا نه، چنانچه مشغول تشهد است اگر شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن رکن را به جا نیاورده، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید آن را به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است.

مسأله ۱۱۷۷: اگر شک کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده، باید به شک خود اعتنا نکند، مثلاً موقعی که مشغول خواندن سوره است اگر شک کند که حمد را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند، و اگر بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده، باید به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است. بنابراین اگر مثلاً در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است.

مسأله ۱۱۷۸ : اگر شک کند که سلام نماز را گفته یا نه، یا شک کند که درست گفته یا نه، چنانچه مشغول تعقیبات نماز یا نماز دیگر شده یا به واسطه انجام کاری که نماز را به هم می‌زند، از حال نمازگزار بیرون رفته، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از این‌ها شک کند، باید سلام نماز را بگوید. اما اگر در صحیح گفتن سلام شک کند در هر صورت باید به شک خود اعتنا ننماید چه مشغول کار دیگری شده باشد یا نه.

۲- شک بعد از نماز

مسأله ۱۱۷۹ : اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شک او باطل باشد، مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

۳- شک بعد از وقت

مسأله ۱۱۸۰ : اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید نماز را بخواند بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آنرا به جا آورد.

مسأله ۱۱۸۱ : اگر بعد از گذشتن وقت شک کند که نماز را درست خوانده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

۴- كَثِيرُ الشَّكِّ (کسی که زیاد شک می‌کند)

مسأله ۱۱۸۴ : اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم مثلاً در نماز صبح و ظهر و عصر شک کند، کثیر الشک

است و چنانچه زیاد شک کردن او از غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشد، به شک خود اعتنا نکند.

۵- شک امام و مأوم

مسأله ۱۱۹۲: اگر امام جماعت در شماره رکعت‌های نماز شک کند مثلاً شک کند سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، چنانچه مأوم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است، امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت نماز خوانده است و مأوم در شماره رکعت‌های نماز شک کند، باید به شک خود اعتنا نکند.

۶- شک در نماز مستحبی

مسأله ۱۱۹۳: اگر در شماره رکعت‌های نماز مستحبی شک کند، چنانچه طرف بیش‌تر شک نماز را باطل می‌کند، باید بنا را بر کم‌تر بگذارد مثلاً اگر در نافله صبح شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است و اگر طرف بیش‌تر شک نماز را باطل نمی‌کند، مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت به هر طرف شک عمل کند نمازش صحیح است.

شک‌های صحیح

مسأله ۱۱۹۹: در نه صورت اگر در شماره رکعت‌های نماز چهار رکعتی شک کند، باید فوراً فکر نماید پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کند، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند وگرنه به دستورهائی که گفته می‌شود عمل نماید و آن نه صورت از این قرار است:

اول: آن که بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به دستوری که بعداً گفته می‌شود به جا آورد.

دوّم: شک بین دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

سوّم: شک بین دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم که باید بنا بر چهار بگذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نماز احتیاط نشسته به جا آورد، ولی اگر بعد از سجدهٔ اوّل یا پیش از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم یکی از این سه شک برایش پیش آید باید نماز را رها کند و دوباره بخواند.

چهارم: شک بین چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم که باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجدهٔ سهو به جا آورد ولی اگر بعد از سجدهٔ اوّل، یا پیش از سر برداشتن از سجدهٔ دوّم، این شک برای او پیش آید، بنا بر احتیاط واجب باید به دستوری که گفته شد عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

پنجم: شک بین سه و چهار، که در هر جای نماز باشد، باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته به جا آورد.

ششم: شک بین چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا

دو رکعت نشسته به جا آورد.

هفتم: شک بین سه و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

هشتم: شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد.

نهم: شک بین پنج و شش در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهد خوانده و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو به جا آورد.

مسئله ۱۲۰۰: اگر یکی از شک‌های صحیح برای انسان پیش آید نباید نماز را بشکند و چنانچه نماز را بشکند معصیت کرده است، پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند مثل روگرداندن از قبله، نماز را از سر گیرد نماز دومی هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، مشغول نماز شود نماز دومی صحیح است.

مسئله ۱۲۰۱: اگر یکی از شک‌هایی که نماز احتیاط برای آن‌ها واجب است در نماز پیش آید، چنانچه انسان نماز را تمام کند و بدون خواندن نماز احتیاط نماز را از سر بگیرد معصیت کرده است. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند نماز را از سر گرفته، نماز دومی هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، مشغول نماز شده نماز دومی صحیح است.

مسئله ۱۲۰۴: کسی که نمی‌داند گمانش به یک طرف بیش‌تر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است باید احتیاط کند و در هر مورد احتیاط، به طور مخصوصی است که در کتابهای مفصل گفته شده است.

مسئله ۱۲۰۷: اگر پیش از آن که مشغول تشهد شود، یا در رکعت‌هایی

که تشهّد ندارد پیش از ایستادن، شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه، و در همان موقع یکی از شک‌هایی که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است، برایش پیش آید نمازش باطل است.

مسأله ۱۲۰۸: اگر موقعی که ایستاده بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنج شک کند و یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش به جا نیاورده نمازش باطل است.

نماز احتیاط

مسأله ۱۲۱۵: کسی که نماز احتیاط بر او واجب است بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر گوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید. پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهّد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است بعد از دو سجده، یک رکعت دیگر مثل رکعت اوّل به جا آورد و بعد از تشهّد سلام دهد.

مسأله ۱۲۱۶: نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد، و باید آن را آهسته بخوانند و نیت آن را به زبان نیاورند و احتیاط واجب آن است که بسم الله آن را هم آهسته بگویند.

سجده‌ی سهو

مسأله ۱۲۳۶: برای سه چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعداً گفته می‌شود به جا آورد.

اوّل: آن که در بین نماز، سهواً حرف بزند.

دوّم: آن که یک سجده را فراموش کند.

سوم: آن که در نماز چهار رکعتی بعد از سجدهٔ دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت و در دو مورد دیگر هم احتیاط واجب آن است که سجدهٔ سهو بنماید: اول در جایی که نباید نماز را سلام دهد مثلاً در رکعت اول سهواً سلام بدهد. دوم آن که تشهد را فراموش کند.

مسئله ۱۳۳۷: اگر انسان اشتباهاً یا به خیال اینکه نمازش تمام شده حرف بزند باید دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

مسئله ۱۳۴۱: اگر سهواً تسبیحات اربعه را نگوید یا بیش تر یا کم تر از سه مرتبه بگوید، احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

مسئله ۱۳۴۲: اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید سهواً بگوید: (السلام علینا و علی عبادالله الصالحین) یا بگوید: (السلام علیکم و رحمة الله و برکاته) باید دو سجدهٔ سهو بنماید، ولی اگر اشتباهاً مقداری از این دو سلام را بگوید، یا بگوید (السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته) احتیاط مستحب آن است که دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

مسئله ۱۳۴۳: اگر در جایی که نباید سلام دهد اشتباهاً هر سه سلام را بگوید دو سجدهٔ سهو کافی است.

مسئله ۱۳۴۴: اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و به جا آورد.

مسئله ۱۳۴۵: اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که یک سجده یا تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده، باید بعد از سلام نماز سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد از آن دو سجدهٔ سهو به جا آورد.

غسل به جا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۱۲۷۱: اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده، یا پشت به قبله یا به طرف راست یا به طرف چپ قبله به جا آورده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط شکسته به جا آورد یعنی دو رکعت بخواند: شرط اول آن که سفر او کم‌تر از هشت فرسخ شرعی نباشد.

مسئله ۱۲۷۲: کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است، اگر رفتن او کم‌تر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند. بنابراین اگر رفتن به سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۲۷۳: اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد باید نماز را شکسته بخواند چه همان روز و شب بخواند برگردد یا غیر آن روز و شب.

مسئله ۱۲۸۰: اگر شهر دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند، و اگر دیوار ندارد باید از خانه‌های آخر شهر حساب نماید. اما در شهرهای بزرگ خارق العاده مانند تهران ابتدای هشت فرسخ را از منزل خود حساب نماید.

شرط دوم آن که از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد، پس اگر به جایی که کم‌تر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن به آنجا قصد کند جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ شود، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، باید نماز را تمام بخواند،

ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

شرط سوّم آن که در بین راه از قصد خود برنگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردّد شود، باید نماز را تمام بخواند.

شرط چهارم آن که نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیش‌تر در جایی بماند پس کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند.

شرط پنجم آن که برای کار حرام سفر نکند و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمام بخواند. و همچنین است اگر خود سفر حرام باشد، مثل آن که برای او ضرر داشته باشد، یا زن بدون اجازه شوهر و فرزند با نهی پدر و مادر سفری بروند که بر آنان واجب نباشد ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخوانند.

مسأله ۱۲۹۵: سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

شرط ششم آن که از صحرانشین‌هایی نباشد که در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حشمت‌شان پیدا می‌کنند می‌مانند و بعد از چندی به جای دیگر می‌روند، و صحرانشین‌ها در این مسافرت‌ها باید نماز را تمام بخوانند.

شرط هفتم آن که شغل او مسافرت نباشد، بنابراین شتردار و راننده و چوب‌دار و کشتی‌بان و مانند این‌ها، اگرچه برای بردن اثاثیه منزل

خود مسافرت کنند، در غیر این سفر اول باید نماز را تمام بخوانند. ولی در سفر اول اگر چه طول بکشد، نمازشان شکسته است.

مسأله ۱۳۰۷: کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر مثلاً شوfer، اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد و در ضمن خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۱۳۱۰: کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است، مثل شوفری که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می دهد، باید در سفری که مشغول به کارش هست نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسأله ۱۳۱۲: کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیش تر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد، چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، نماز را شکسته بخواند.

مسأله ۱۳۱۳: کسی که شغلش مسافرت است، اگر در غیر وطن خود ده روز بماند در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، باید نماز را شکسته بخواند. چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد یا نداشته باشد.

شرط هشتم آن که به حد ترخص برسد یعنی از وطنش به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود ولی باید در هوا، غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند و لازم نیست به قدری دور شود که مناره ها و گنبدها را نبیند، یا دیوارها هیچ پیدا نباشد، بلکه همین قدر که دیوار کاملاً تشخیص داده نشود کافی است و کسی که از جایی که قصد کرده ده روز

در آن جا بماند به قصد هشت فرسخ خارج شود تا حد ترخص نرسیده بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و حد ترخص در بلاد کبیره مثل تهران محلّه‌ی است که منزل شخص در آن محله قرار دارد.

مسأله ۳۲۹ : محلّی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده وطن اوست. چه در آن جا به دنیا آمده و وطن پدر و مادر او باشد، یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده باشد.

مسأله ۳۳۱ : تا انسان قصد ماندن همیشگی در جایی که غیر وطن اصلی خودش است نداشته باشد وطن او حساب نمی‌شود مگر آن که بدون قصد ماندن، آن قدر بماند که مردم بگویند اینجا وطن اوست.

مسأله ۳۳۵ : مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در محلّی بماند، یا می‌داند که بدون اختیار ده روز در محلّی می‌ماند، در آن محل باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۳۳۶ : مسافری که می‌خواهد ده روز در محلّی بماند، لازم نیست قصد ماندن شب اوّل یا شب یازدهم را داشته باشد، و همین که قصد کند از اذان صبح روز اوّل تا غروب روز دهم بماند، باید نماز را تمام بخواند و هم‌چنین اگر مثلاً قصدش این باشد که از ظهر روز اوّل تا ظهر روز یازدهم بماند، باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۳۳۸ : مسافری که می‌خواهد ده روز در محلّی بماند، اگر از اوّل قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آن جا برود، چنانچه جایی که می‌خواهد برود از مقدار ترخص دورتر نباشد باید در همه ده روز نماز را تمام بخواند و اگر از مقدار ترخص دورتر باشد، باید در تمام ده روز نماز را شکسته بخواند ولی چنانچه بخواند یک ساعت یا دو

ساعت برود و برگردد در همه ده روز باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۳۴۲ : اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردّد شود که در آن جا بماند یا به جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردّد شود تا وقتی در آن جا هست، نماز را باید تمام بخواند.

مسأله ۳۴۳ : مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، روزه اش صحیح است و تا وقتی که در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد روزه آن روزش صحیح است، اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزهای بعد هم نمی تواند روزه بگیرد.

مسأله ۳۴۷ : مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بیش تر از ده روز در آن جا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسأله ۳۴۸ : مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، باید روزه واجب را بگیرد و می تواند روزه مستحبی را هم به جا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

مسأله ۳۵۳ : اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردّد باشد، بعد از گذشتن سی روز اگرچه مقدار کمی در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ در رفتن بقیّه راه مردّد شود، از وقتی که مردّد می شود، باید نماز را تمام بخواند.

نماز قضا

مسأله ۱۳۷۰ : کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را به جا آورد.

مسأله ۱۳۷۵ : قضای نمازهای یومیّه لازم نیست به ترتیب خوانده شود مگر آن که ترتیب در اداء آنها لازم باشد.

مسأله ۱۳۸۸ : نماز قضا را با جماعت می‌شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

نماز جماعت

مسأله ۱۳۹۹ : مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشاء خصوصاً برای همسایه‌ی مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می‌شنود بیش‌تر سفارش شده است.

مسأله ۱۴۰۰ : در روایتی وارد شده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز را دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعتی ثواب شش‌صد نماز را دارد و هر چه بیش‌تر شوند، ثواب نمازشان بیش‌تر می‌شود تا به ده نفر برسند و عدّه آنان که از ده گذشت، اگر تمامی آسمان‌ها کاغذ و دریاها مرکب و درخت‌ها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

مسأله ۱۴۰۱ : حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جائز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

مسأله ۱۴۰۲ : مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند و نماز جماعت از نماز اوّل وقت که فرادی یعنی تنها خوانده شود بهتر است. و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانند از نماز فرادی که آن را طول بدهند بهتر می باشد.

مسأله ۱۴۰۳ : وقتی که جماعت برپا می شود، مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند. اگر بعد بفهمد که نماز اوّلش باطل بوده نماز دوّم او کافی است.

مسأله ۱۴۰۶ : اگر پدر و مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند، چون اطاعت پدر و مادر واجب است بنابر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند و قصد استحباب نماید.

مسأله ۱۴۱۴ : کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأموم دیگر به امام متصل نباشد، نمی تواند اقتدا کند بلکه اگر از دو طرف هم متصل باشد ولی از جلو اتصال نداشته باشد و هیچ کدام از آنها بعضی مأمومین صف قبل و لو یک نفر را ببیند جماعتش اشکال دارد.

مسأله ۱۴۱۵ : جای ایستادن امام باید از جای مأموم بلندتر نباشد ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر باشد اشکال ندارد، و نیز اگر زمین سراشیب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سراشیبی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن، زمین مسطح بگویند مانعی ندارد.

مسأله ۱۴۱۸ : بعد از تکبیر امام، اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده، می تواند تکبیر بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف

جلو تمام شود.

مسأله ۱۴۲۳: انسان در بین نماز جماعت می‌تواند نیت فرادی کند.

مسأله ۱۴۲۷: اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگرچه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به طور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود. اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد نمازش به طور فرادی صحیح می‌باشد و باید آن را تمام نماید.

مسأله ۱۴۲۸: اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به مقدار رکوع خم شود و شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه، نمازش صحیح است و فرادی می‌شود.

مسأله ۱۴۲۹: اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود، امام سر از رکوع بردارد، می‌تواند نیت فرادی کند یا صبر کند تا امام برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر برخاستن امام به قدری طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می‌خواند، باید نیت فرادی نماید.

مسأله ۱۴۳۱: اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، باید بعد از نیت و گفتن تکبیرة الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد، بعد بایستد و بدون آن که دوباره نیت کند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند.

مسأله ۱۴۳۳: در نماز جماعت باید بین مأوموم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی‌شود فاصله نباشد و هم‌چنین است بین انسان و

مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است، ولی اگر امام مرد و مأموم زن باشد چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به واسطه او به امام متصل شده است پرده و مانند آن باشد اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۳۶: اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد، چنانچه به اندازه گشادی بین دو قدم هم فاصله داشته باشند نمازش صحیح است.

مسئله ۱۴۳۷: اگر در نماز، بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام متصل است بیش تر از یک قدم بزرگ فاصله پیدا شود نمازش فرادی می شود و صحیح است.

مسئله ۱۴۳۸: اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه نیت فرادی نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد نماز صف بعد به طور جماعت صحیح و اگر بیش تر از این مقدار باشد، فرادی می شود و صحیح است.

مسئله ۱۴۳۹: اگر در رکعت دوم اقتدا کند، قنوت و تشهد را با امام می خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند، و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند، و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع یا در سجده خود را به امام برساند، یا نیت فرادی کند و نمازش صحیح است، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۱۴۴۰: اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است اقتدا کند، باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است بعد از دو

سجده بنشینند و تشهد را به مقدار واجب بخوانند و برخیزد، و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد، یک مرتبه بگوید و در رکوع یا در سجده خود را به امام برساند.

مسأله ۱۴۴۱: اگر امام در رکعت سوّم یا چهارم باشد و مأوم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی‌رسد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا کند.

مسأله ۱۴۴۲: اگر در رکعت سوّم یا چهارم امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، باید حمد را تمام کند و در رکوع یا در سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

مسأله ۱۴۴۶: اگر امام ایستاده باشد و مأوم نداند که در کدام رکعت است می‌تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگرچه بعد بفهمد که امام در رکعت اوّل یا دوّم بوده، نمازش صحیح است.

مسأله ۱۴۴۷: اگر به خیال این‌که امام در رکعت اوّل یا دوّم است حمد و سوره نخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوّم یا چهارم بوده نمازش صحیح است. ولی اگر پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد، فقط حمد را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

احکام جماعت

مسأله ۱۴۶۱: مأوم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوّم او رکعت سوّم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.

مسئله ۱۴۶۲ : اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود، اگرچه کلمات را تشخیص ندهد، باید حمد و سوره را نخواند. اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره بخواند ولی باید آهسته بخواند و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکالی ندارد.

مسئله ۱۴۶۳ : اگر مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود، احتیاط واجب آن است که حمد و سوره را نخواند.

مسئله ۱۴۶۴ : اگر مأموم سهواً حمد و سوره بخواند، یا خیال کند صدایی را که می‌شنود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۴۶۸ : اگر مأموم پیش از امام عمداً هم سلام دهد نمازش صحیح است.

مسئله ۱۴۷۰ : مأموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می‌شود، کارهای دیگر آن، مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد، معصیت کرده ولی نمازش صحیح است اما اگر در حال قرائت امام به رکوع رود نمازش باطل می‌شود و اما اگر در دو رکن پشت سر هم از امام جلو یا عقب بیفتد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند اگر چه بعید نیست نمازش صحیح باشد و فرادی شود.

مسئله ۱۴۷۱ : اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد، چنانچه امام در رکوع باشد، باید به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است نماز را باطل نمی‌کند. ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع برسد، امام سر بردارد نمازش

باطل است.

مسأله ۱۴۷۲: اگر اشتبهاً سر بر دارد و ببیند امام در سجده است باید به سجده برگردد و چنانچه در هر دو سجده این اتفاق بیفتد برای زیاد شدن دو سجده که رکن است نماز باطل نمی‌شود.

مسأله ۱۴۷۳: کسی که اشتبهاً پیش از امام سر از سجده برداشته هرگاه به سجده برگردد، و هنوز به سجده نرسیده امام سر بر دارد، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، نماز باطل است.

مسأله ۱۴۷۴: اگر اشتبهاً سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا به خیال این که به امام نمی‌رسد، به رکوع یا سجده نرود، نمازش صحیح است.

مسأله ۱۴۷۵: اگر سر از سجده بر دارد و ببیند امام در سجده است چنانچه به خیال این که سجده اول امام است، به قصد این که با امام سجده کند به سجده رود و بفهمد سجده دوم امام بوده، باید بنا بر احتیاط نماز را تمام کند و از سر بخواند، و اگر به خیال این که سجده دوم امام است به سجده رود و بفهمد سجده اول امام بوده، احتیاط آن است که نماز را فردی تمام نماید اگرچه می‌تواند متابعت امام را بکند و به سجده رود و نماز را تمام کند.

مسأله ۱۴۷۶: اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بر دارد به مقداری از قرائت امام می‌رسد، چنانچه سر بر دارد و با امام به رکوع رود نمازش صحیح است.

مسأله ۱۴۷۷: اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی‌رسد، احتیاط واجب آن است که سر

بر دارد و با امام نماز را تمام کند و نمازش صحیح است و اگر سر بر ندارد تا امام برسد نمازش صحیح است.

نماز آیات

مسأله ۱۴۹۱: نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد به واسطه چهار چیز واجب می‌شود:

اول گرفتن خورشید. دوم گرفتن ماه اگرچه مقدار کمی از آن‌ها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد. سوم زلزله اگر چه کسی هم نترسد. چهارم رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند این‌ها در صورتی که بیش‌تر مردم بترسند، و نیز بر احتیاط واجب در حوادث وحشتناک زمینی مانند شکافتن و فرو رفتن زمین در صورتی که بیش‌تر مردم بترسند باید نماز آیات بخوانند.

مسأله ۱۴۹۲: اگر از چیزهایی که نماز آیات واجب است بیش‌تر از یکی اتفاق بیفتد، انسان باید برای هر یک از آن‌ها یک نماز آیات بخواند، مثلاً اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود، باید دو نماز آیات بخواند.

مسأله ۱۴۹۴: چیزهایی که نماز آیات برای آن‌ها واجب است، در هر شهری اتفاق بیفتد، افراد همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، ولی اگر مکان آن‌ها به قدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود، نماز آیات بر آن‌ها هم واجب است.

مسأله ۱۴۹۵: از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند انسان باید نماز آیات بخواند و بنا بر احتیاط واجب، باید به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.

مسأله ۱۴۹۶: اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که

آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند، بنا بر احتیاط واجب باید نیت ادا و قضا نکند ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخواند باید نیت قضا نماید.

مسأله ۱۴۹۷ : اگر مدّت گرفتن خورشید یا ماه بیش‌تر از خواندن یک رکعت باشد ولی انسان نماز را نخواند، تا به اندازه خواندن یک رکعت به آخر وقت آن مانده باشد باید نیت ادا کند بلکه اگر مدّت گرفتن آن‌ها به اندازه خواندن یک رکعت هم باشد بنا بر احتیاط واجب باید نماز آیات را بخواند و ادا است.

مسأله ۱۴۹۸ : موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند این‌ها اتفاق می‌افتد، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده است و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است.

مسأله ۱۴۹۹ : اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند. ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست.

مسأله ۱۵۰۱ : اگر انسان به گفته کسانی که از روی قاعده عملی وقت گرفتن خورشید و ماه را می‌دانند، اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته، بنا بر احتیاط واجب باید نماز آیات را بخواند و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه می‌گیرد و فلان مقدار طول می‌کشد و انسان به گفته آنان اطمینان پیدا کند، بنا بر احتیاط واجب باید به حرف آنان عمل نماید، مثلاً اگر بگویند آفتاب فلان ساعت شروع به باز شدن می‌کند احتیاطاً باید نماز را تا آن وقت تأخیر نیندازد.

دستور نماز آیات

مسأله ۱۷۱ : نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره‌ی تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بر دارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام بدهد.

نماز عید فطر و قربان

مسأله ۱۷۲ : نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما که امام علیه السلام غائب است، مستحب می‌باشد و می‌توانند آن را به قصد رجاء به جماعت بخوانند.

مسأله ۱۷۳ : وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر.

مسأله ۱۷۴ : نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره، باید پنج تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم، چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

احکام روزه

نیت

مسئله ۵۵۰: لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید فردا را روزه می‌گیرم، بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کافی است، و برای آن که یقین کند تمام این مدت را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از اذان مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.

مسئله ۵۵۱: انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند، و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید.

مسئله ۵۵۲: نیت روزه ماه رمضان وقت معین ندارد و تا اذان صبح هر وقت نیت روزه فردا را بکند اشکال ندارد.

مسئله ۵۵۴: کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، روزه او صحیح است، چه روزه او واجب باشد چه مستحب، و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی‌تواند نیت روزه واجب نماید.

مسئله ۵۶۷: اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند، و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

مسئله ۵۶۸: روزی که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی‌تواند

نیت روزه رمضان کند ولی اگر نیت روزه قضا و مانند آن بنماید چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می‌شود.

مسأله ۵۶۹ : اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند.

چیزهایی که روزه را باطل می‌کند

مسأله ۵۷۲ : نه چیز روزه را باطل می‌کند. اول خوردن و آشامیدن. دوم جماع. سوم استمناء. چهارم دروغ بستن بر خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر علیهم‌السلام. پنجم رساندن غبار غلیظ به حلق. ششم فرو بردن تمام سر در آب. هفتم باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح. هشتم اماله کردن با چیزهای روان، نهم قی کردن، و احکام این‌ها در مسائل آینده گفته می‌شود.

خوردن و آشامیدن

مسأله ۵۷۳ : اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می‌شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب چه معمول نباشد مثل خاک و شیرۀ درخت، و چه کم باشد یا زیاد، حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورده و دوباره به دهان برد و رطوبت آن را فرو برد روزه او باطل می‌شود مگر آن که رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود.

مسأله ۵۷۴ : اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد که صبح شده است، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه عمداً فرو برد روزه‌اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد کفاره هم بر

او واجب می‌شود.

مسئله ۵۷۵ : اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۵۷۶ : احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می‌کند یا به جای دوا استعمال می‌شود اشکال ندارد.

مسئله ۵۷۷ : اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسئله ۵۷۸ : کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان دندان‌هایش را خلال کند، ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می‌رود چنانچه خلال نکند و چیزی از آن فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود بلکه اگر فرو هم نرود بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزه را بگیرد.

مسئله ۵۸۰ : فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، ولی اگر وارد فضای دهان شود، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ

مسئله ۵۹۶ : اگر روزه‌دار به گفتن یا نوشتن یا به اشاره و مانند این‌ها به خدا و پیغمبر ﷺ و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا سلام الله علیها و سایر پیغمبران و جانشینان آنان نیز در این حکم فرقی ندارند.

رساندن غبار غلیظ به حلق

مسأله ۱۶۰۳: رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می‌کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی که خوردن آن حرام است.

فرو بردن سر در آب

مسأله ۱۶۰۱: اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد، ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه باطل نمی‌شود.

مسأله ۱۶۳۰: اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند و هم‌چنین است اگر از خواب دوّم بیدار شود و برای مرتبه سوّم بخوابد و کفاره بر او واجب می‌شود.

قی کردن

مسأله ۱۶۴۶: هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند - اگرچه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد - روزه‌اش باطل می‌شود ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند اشکال ندارد.

مسأله ۱۶۴۸: اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن خودداری کند چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری کند.

احکام چیزهایی که روزه را باطل می‌کند

مسئله ۱۶۵۳: اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد روزه او باطل می‌شود، چه عالم باشد و چه جاهل؛ حتی بنا بر احتیاط واجب در مورد جاهل قاصر و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد، ولی جنب اگر بخوابد و به تفصیلی که در مسئله ۱۶۳۰ گفته شد تا اذان صبح غسل نکند روزه او باطل است.

کفاره روزه

مسئله ۱۶۶۰: کسی که کفاره روزه ماه رمضان بر او واجب است، باید به دستوری که در مسئله بعد گفته می‌شود دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مُد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند این‌ها بدهد، و چنان چه برایش ممکن نباشد، هرچند مد که می‌تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگرچه مثلاً یک مرتبه بگوید استغفرالله و احتیاط واجب آن است که هر وقت که بتواند، کفاره را بدهد.

مسئله ۱۶۶۱: کسی که می‌خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکالی ندارد.

مسئله ۱۶۶۶: اگر روزه‌دار دروغی را به خدا و پیغمبر ﷺ نسبت دهد، کفاره جمع بنا بر احتیاط بر او واجب می‌شود. (کفاره جمع یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام آن‌ها یک مد طعام که تقریباً ده سیر است گندم یا جو یا نان و مانند این‌ها بدهد و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد هر کدام آن‌ها که ممکن است باید انجام دهد).

مسأله ۶۷۰: اگر روزه‌دار کاری که حلال است و روزه را باطل می‌کند انجام دهد، مثلاً بیاشامد و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می‌کند انجام دهد، مثلاً غذای حرامی بخورد، دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند کافی است.

مسأله ۶۷۱: اگر روزه‌دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمداً آن را فرو ببرد، روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب می‌شود و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده، به دهان او بیاید و عمداً آن را فرو برد، باید قضای آن روزه را بگیرد و بنا بر احتیاط کفاره جمع هم بر او واجب می‌شود.

مسأله ۶۸۷: کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد و اگر نمی‌تواند بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.

جاهائی که فقط قضای روزه واجب است

مسأله ۶۸۸: در چند صورت فقط قضای روزه واجب است و کفاره واجب نیست: اول آن که روزه‌دار در ماه رمضان عمداً قی کند. دوم آن که در شب ماه رمضان عمداً جنب باشد و تا اذان صبح از خواب سوّم بیدار نشود. سوّم عملی که روزه را باطل می‌کند به جا نیاورد ولی نیت روزه نکند یا ریا کند یا قصد کند که روزه نباشد. چهارم آن که در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت یک یا چند روز را روزه بگیرد. پنجم آن که در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود

صبح بوده، و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده، قضای آن روزه بر او واجب است، ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود که صبح بوده، قضا واجب نیست. ششم آن که کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، و بعد معلوم شود که صبح بوده. هفتم آن که کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند یا خیال کند شوخی می‌کند و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود که صبح بوده است. هشتم آن که کور و مانند آن به گفته کس دیگر افطار کند و بعد معلوم شود که مغرب نبوده. نهم آن که در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند بعد معلوم شود که مغرب نبوده است، ولی اگر در هوای ابری به گمان این که مغرب شده افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده قضا لازم نیست. دهم آن که برای خنک شدن یا بی‌جهت مضمضه کند یعنی آب در دهان بگرداند و بی‌اختیار فرو رود، ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد یا برای وضو مضمضه کند و بی‌اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

احکام روزه قضا

مسأله ۱۷۰۳: اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند این‌ها به فقیر بدهد، ولی اگر به واسطه عذر دیگری مثلاً برای مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند،

روزه‌هائی را که نگرفته باید قضا کند و احتیاط مستحب آن است که برای هر روز یک مد طعام هم به فقیر بدهد.

مسأله ۱۷۰۴ : اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او بر طرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد باید روزه‌هائی را که نگرفته قضا نماید و نیز اگر در ماه رمضان غیر مرض عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر برطرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد روزه‌هائی را که نگرفته باید قضا کند

مسأله ۱۷۰۵ : اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند این‌ها هم به فقیر بدهد.

مسأله ۱۷۱۰ : اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد، باید قضای آن را به جا آورد و برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد، یا یک بنده آزاد کند، و چنانچه تا رمضان آینده قضای آن روزه را به جا نیاورد برای هر روز نیز دادن یک مد طعام لازم است.

احکام روزه مسافر

مسأله ۱۷۱۴ : مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند مثل کسی که شغلش مسافرت یا سفر او معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسأله ۱۷۱۷ : اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی‌تواند آن را در سفر به جا آورد. ولی چنانچه نذر کند که روز معینی

را در سفر روزه بگیرد باید آن را در سفر به جا آورد. و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد چه نباشد، روزه بگیرد باید آن روز را اگرچه مسافر باشد روزه بگیرد.

مسئله ۱۷۲۱: اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حد ترخص برسد یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، باید روزه خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند بنا بر احتیاط کفاره نیز بر او واجب است.

مسئله ۱۷۲۲: اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد، و در شهرهای بزرگ خارق‌العاده مانند تهران به منزلش برسد یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند چنان که کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، روزه آن روز بر او واجب نیست.

روزه‌های حرام و مکروه

مسئله ۱۷۳۹: روزه عید فطر و قربان حرام است، و نیز روزی را که انسان نمی‌داند آخر شعبان است یا اول رمضان، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد حرام است.

مسئله ۱۷۴۳: کسی که می‌داند روزه برای او ضرر ندارد، اگرچه دکتر بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد اگرچه دکتر بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد، و اگر روزه بگیرد صحیح نیست مگر آن که به قصد قربت بگیرد و بعد معلوم شود ضرر نداشته.

مسئله ۱۷۴۴: اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از

آن احتمال، ترس برای او پیدا شود چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست مگر آن که به قصد قربت گرفته باشد و بعد معلوم شود ضرر نداشته.

مسأله ۱۷۴۵: کسی که عقیده‌اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته، باید قضای آن را به جا آورد.

احکام خُمس

مسأله ۱۷۵۱: در هفت چیز خمس واجب می‌شود: اول منفعت کسب. دوم معدن. سوم گنج. چهارم مال حلال مخلوط به حرام. پنجم جواهری که به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می‌آید. ششم غنیمت جنگ. هفتم زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

۱- منفعت مال

مسأله ۱۷۵۲: هرگاه انسان از تجارت یا صنعت، یا کسب‌های دیگر مالی به دست آورد، اگرچه مثلاً نماز و روزه می‌تی را به جا آورد و از اجرت آن، مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس یعنی پنج یک آن را به دستوری که بعداً گفته می‌شود بدهد.

مسأله ۱۷۵۳: اگر از غیر کسب مالی به دست آورد، مثلاً چیزی به او ببخشند، واجب نیست خمس آن را بدهد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس آن را هم بدهد.

مسأله ۱۷۵۷: کسی که دیگری مخارج او را می‌دهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می‌آورد بدهد ولی اگر مقداری از آن را خرج زیارت

و مانند آن کرده باشد فقط باید خمس باقی مانده را بدهد.

مسأله ۱۷۶۶: انسان می‌تواند در بین سال هر وقت منفعتی به دستش آید خمس آن را بدهد، و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس، سال شمسی قرار دهد، مانعی ندارد.

مسأله ۱۷۷۵: آنچه از منابع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید لوازم منزل و عروسی و جهیزیه دختر و زیارت و مانند این‌ها می‌رساند، در صورتیکه از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد، خمس ندارد.

مسأله ۱۷۷۶: مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می‌رساند، جزء مخارج سالیانه است، و نیز مالی را که به کسی می‌بخشد یا جایزه می‌دهد در صورتی که از شأن او زیاده نباشد، از مخارج سالیانه حساب می‌شود.

مسأله ۱۷۸۰: اگر از منفعت کسب آذوقه‌ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد باید قیمت آخر سال را حساب کند.

مسأله ۱۷۸۶: اگر در اوّل سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، می‌تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.

مسأله ۱۷۸۷: اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند می‌تواند از منافع سال‌های بعد قرض خود را ادا نماید.

مسأله ۱۷۸۸: اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن

احتیاج ندارد قرض کند نمی‌تواند از منافع کسب آن قرض را بدهد ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود و ناچار شود که قرض خود را بدهد می‌تواند از منافع کسب، قرض را ادا نماید.

مسأله ۱۷۹۰: تا خمس مال را ندهد نمی‌تواند در آن مال تصرف کند اگرچه قصد دادن خمس را داشته باشد.

۲- معدن

مسأله ۱۷۹۱: اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، ذغال سنگ، فیرزه، عقیق، زاج، نمک و معدن‌های دیگر چیزی به دست آورد در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

۳- گنج

مسأله ۱۸۰۶: گنج مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن، گنج گویند.

مسأله ۱۸۰۷: اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند، مال خود او است و باید خمس آن را بدهد.

۴- مال حلال مخلوط به حرام

مسأله ۱۸۱۳: اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آن‌ها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه‌ی مال حلال می‌شود.

۵- جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست می‌آید
مسأله ۱۱۹ : اگر به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگری که با فرو رفتن در دریا بیرون می‌آید بیرون آورند، روئیدنی باشد، یا معدنی، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بیرون آوردن آن کرده‌اند، قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهند، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشند یا در چند دفعه، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس، ولی اگر چند نفر آن را بیرون آورده باشند هر کدام آنان که قیمت سهمش به ۱۸ نخود طلا برسد فقط او باید خمس بدهد.

۶- غنیمت

مسأله ۱۲۸ : اگر مسلمانان به امر امام علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، به آنها غنیمت گفته می‌شود و مخارجی را که برای غنیمت کرده‌اند، مانند مخارج نگهداری و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام است، باید از غنیمت کنار بگذارند و خمس بقیه آن را بدهند.

۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

مسأله ۱۲۹ : اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از همان زمین بدهد. و نیز اگر خانه و دکان و مانند آنها را از مسلمان بخرد، چنانچه زمین آن را جداگانه قیمت کنند و بفروشند باید خمس زمین را بدهد. و اگر خانه و دکان را روی هم بفروشند و زمین به تبع آن منتقل شود، خمس زمین واجب نیست.

مصرف خمس

مسأله ۱۳۴ : خمس را باید دو قسمت کنند: یک قسمت آن سهم سادات است، بنابر احتیاط واجب باید با اذن مجتهد جامع الشرائط به سید فقیر، یا سید یتیم، یا به سیدی که در سفر درمانده شده بدهند و نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرائط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد برسانند. ولی اگر انسان بخواهد سهم امام را به مجتهدی که از او تقلید نمی‌کند بدهد، در صورتی به او اذن داده می‌شود که بداند آن مجتهد و مجتهدی که از او تقلید می‌کند سهم امام را به یک طور مصرف می‌کنند.

احکام زکات

مسأله ۱۵۳ : زکات نه چیز واجب است: اوّل گندم. دوّم جو. سوّم خرما. چهارم کشمش. پنجم طلا. ششم نقره. هفتم شتر. هشتم گاو. نهم گوسفند.

مسأله ۱۵۵ : زکات در صورتی واجب می‌شود که مال به مقدار نصاب برسد و مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در مال تصرف کند.

مسأله ۱۹۱ : کسی که طلا یا نقره او به اندازه نصاب است، اگرچه زکات آن را داده باشد، تا وقتی از نصاب اوّل کم نشده، همه ساله باید زکات آن را بدهد.

مسأله ۱۹۹ : زکات طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که آن را سکه زده باشند و معامله با آن رواج باشد و اگر سکه آن از بین هم رفته باشد باید زکات آن را بدهند.

زکات فِطْرَه

مسأله ۱۹۹۱: کسی که موقع غروب یعنی قبل از غروب شب عید فطری گرچه به چند لحظه باشد، بالغ و عاقل و هوشیار است و فقیر و بنده کس دیگر نیست، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند این‌ها به مستحق بدهد و اگر پول یکی از این‌ها را بدهد کافی است.

مسأله ۱۹۹۳: انسان باید فطره کسانی را که در غروب شب عید فطری نان خور او حساب می‌شوند بدهد، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود باشند یا در شهر دیگر.

مسأله ۱۹۹۵: فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطری با رضایت صاحب خانه وارد شده و نان خور او حساب می‌شود بر او واجب است.

مسأله ۱۹۹۶: فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطری بدون رضایت صاحب خانه وارد می‌شود در صورتی که نان خور او حساب شود واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده است که خرجی او را بدهد.

احکام حج

مسأله ۲۰۱۴: حج: زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده‌اند در آنجا به جا آورده شود و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد، یک مرتبه واجب می‌شود. اول آن که بالغ باشد. دوم آن که عاقل و آزاد باشد. سوم به واسطه رفتن به حج مجبور نشود که کار حرامی را که اهمیّتش در شرع از حج بیش‌تر است انجام دهد، یا

عمل واجبی را که از حج مهم‌تر است ترک نماید. چهارم آن که مستطیع باشد، و مستطیع بودن به چند چیز است: اول آن که توشه راه و چیزهایی را که بر حسب حالش در سفر به آن محتاج است و در کتاب‌های مفصل گفته شده دارا باشد، و نیز مرکب سواری یا مالی که بتواند آن را تهیه کند داشته باشد. دوم سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند مکه رود و حج را به جا آورد. سوم در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد، یا انسان بترسد که در راه جان یا عرض او از بین برود، یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست ولی اگر از راه دیگری بتواند برود، اگر چه دورتر باشد در صورتی که مشقت زیاد نداشته باشد و خیلی غیر متعارف نباشد، باید از آن راه برود. چهارم به قدر به جا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد. پنجم مخارج کسانی را که خرجی آنان بر او واجب است مثل زن و بچه و مخارج کسانی را که مردم خرجی دادن به آنها را لازم می‌دانند داشته باشد. ششم بعد از برگشتن کسب، یا زراعت، یا عایدی ملک، یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود به زحمت زندگی کند.

احکام خرید و فروش

معاملات باطل

مسأله ۲۵۵: در چند مورد معامله باطل است: اول خرید و فروش عین نجس مثل بول و غائط و مسکرات، بنابر اقوی و در بعضی دیگر بنابر احتیاط واجب و خرید و فروش خون برای معالجه بیماران جایز است. دوم خرید و فروش مال غصبی مگر آن که صاحبش معامله را اجازه دهد. سوم خرید و فروش چیزهایی که مال نیست. چهارم معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی. پنجم معامله‌ای که در آن ربا باشد و حرام است غش در معامله یعنی

فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید. مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است و این عمل را غش می‌گویند. از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منقول است که فرمود: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند.

مسأله ۲۰۷۲: اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادتر از همان جنس بفروشد، مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشد، ربا و حرام است و گناه یک درهم ربا بزرگ‌تر از آن است که انسان هفتاد مرتبه با محرم خود زنا کند، بلکه اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و دیگری بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیش‌تر از مقداری که می‌دهد بگیرد، باز هم ربا و حرام است، پس اگر مس درست را بدهد و بیش‌تر از آن مس شکسته را بگیرد یا برنج صدری را بدهد و بیش‌تر از آن برنج گرده بگیرد یا طلای ساخته را بدهد و بیش‌تر از آن طلای نساخته بگیرد ربا و حرام می‌باشد.

مسأله ۲۰۷۳: اگر چیزی را که اضافه می‌گیرد غیر از جنسی باشد که می‌فروشد، مثلاً یک من گندم به یک من گندم و یک قران پول بفروشد باز هم ربا و حرام است بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد، ربا و حرام می‌باشد.

مسأله ۲۰۷۷: اگر چیزی را که می‌فروشد و عوضی را که می‌گیرد از یک جنس نباشد زیادی گرفتن اشکال ندارد، پس اگر یک من برنج بفروشد و دو من گندم بگیرد معامله صحیح است.

احکام قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار راجع به آن زیاد سفارش شده است. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد مال او زیاد می شود و ملائکه بر او رحمت می فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد، بهشت بر او حرام می شود.

مسأله ۲۲۷۵ : اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، طلبکار پیش از تمام شدن آن مدّت نمی تواند طلب خود را مطالبه نماید ولی اگر مدّت نداشته باشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می تواند طلب خود را مطالبه نماید.

مسأله ۲۲۷۶ : اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است.

مسأله ۲۲۷۷ : اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آن احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه نماید، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.

مسأله ۲۲۷۹ : کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند، باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد و شرط نیست در فقیر که سید باشد.

مسأله ۲۲۸۳ : اگر کسی که قرض می دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می دهد بگیرد، مثلاً یک من گندم بدهد و شرط کند یک من

و پنج سیر بگیرد، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد، ربا و حرام است بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد، یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس بدهد، مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده با یک کبریت پس بدهد، ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می‌گیرد به طور مخصوص پس دهد، مثلاً مقداری طلای ساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد، باز هم ربا و حرام می‌باشد. ولی اگر بدون اینکه شرط کند، خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد اشکال ندارد، بلکه مستحب است.

احکام نگاه کردن

مسأله ۲۴۳۲: نگاه کردن مرد به بدن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند، و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد به جز صورت و دست‌ها حرام می‌باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می‌پوشانند نگاه نکند.

مسأله ۲۴۳۳: اگر انسان بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن‌های اهل کتاب مثل یهود و نصاری نگاه کند در صورتی که نترسد به حرام بیفتد اشکال ندارد.

مسأله ۲۴۳۴: زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بیپوشاند بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری که هنوز بالغ

نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بیوشاند.

مسئله ۲۴۳۷: مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

مسئله ۲۴۴۰: اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند، نباید او را نگاه کند.

احکام مالی که انسان آن را پیدا می‌کند

مسئله ۲۵۴۴: مالی که انسان پیدا می‌کند اگر نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه آن، صاحبش معلوم شود، احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

مسئله ۲۵۶۵: اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قیمت آن از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار کم‌تر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند راضی است یا نه، نمی‌تواند بدون اجازه او بردارد، و اگر صاحب آن معلوم نباشد، می‌تواند به قصد این که ملک خودش شود بردارد و در این صورت اگر تلف شود نباید عوض آن را بدهد، بلکه اگر قصد مالک شدن هم نکرده و بدون تقصیر او تلف شود، دادن عوض بر او واجب نیست.

مسئله ۲۵۶۶: هرگاه چیزی که پیدا کرده نشانه‌ای دارد که به واسطه آن می‌تواند صاحبش را پیدا کند، اگرچه بداند صاحب آن کافر است که در امان مسلمانان است، در صورتی که قیمت آن چیز به ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار برسد باید اعلان کند، و چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده

تا یک هفته هر روز و بعد تا یک سال هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلان کند کافی است.

مسأله ۲۵۶۸: اگر تا یک سال اعلان کند و صاحب مال پیدا نشود اگر در محدوده حرم پیدا کرده می‌تواند آن را صدقه بدهد و اگر صاحبش پیدا نشد ضامن او خواهد بود و یا آن را حفظ کند تا صاحبش پیدا شود اما اگر در غیر حرم پیدا کرده می‌تواند آن را برای خود بردارد به قصد این که هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد، یا برای او نگهداری کند که هر وقت پیدا شد به او بدهد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

امر به معروف و نهی از منکر

مسأله ۲۷۸۶: امر به معروف و نهی از منکر با شرایطی که ذکر خواهد شد، واجب و ترک آن معصیت است و در مستحبات و مکروهات امر و نهی مستحب است.

مسأله ۲۷۸۷: امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی می‌باشد و در صورتی که بعضی از مکلفین قیام به آن می‌کنند از دیگران ساقط است و اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند.

مسأله ۲۷۸۸: اگر بعضی امر و نهی کنند و مؤثر نشود و بعضی دیگر احتمال بدهند که امر یا نهی آنان مؤثر است واجب است امر و نهی کنند.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

مسأله ۲۷۹۱: چند چیز شرط است در واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر: اول آن که کسی که می‌خواهد امر و نهی کند، بداند آنچه شخص مکلف به جا نمی‌آورد واجب است به جا آورد و آن چه به جا می‌آورد باید ترک کند. و بر کسی که معروف و منکر را نمی‌داند واجب نیست.

دوم: آن که احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می‌کند. پس اگر بداند اثر نمی‌کند واجب نیست.

سوم: آن که بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند واجب نیست.

چهارم: آن که در امر و نهی مفسده‌ای نباشد، پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر و نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد واجب نیست بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست بلکه اگر برترسد که ضرری متوجه متعلقان او می‌شود واجب نیست، بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر مؤمنین واجب نمی‌شود، بلکه در بسیاری موارد حرام است.

مسأله ۲۷۹۲: اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس اسلام به آن اهمّیت زیاد می‌دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقائد مسلمانان یا احکام ضروریه، باید ملاحظه اهمّیت شود و مجرد ضرر، موجب واجب نبودن نمی‌شود، پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقائد مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام بر بذل جان و مال، واجب است بذل آن.

مسأله ۲۷۹۳: اگر بدعتی در اسلام واقع شود مثل منکراتی که

دولت‌های جابر انجام می‌دهند به اسم دین مبین اسلام، واجب است خصوصاً بر علماء اسلام اظهار حق و انکار باطل، و اگر سکوت علماء اعلام موجب هتک مقام علم و موجب اسائه ظن به علماء اسلام شود واجب است اظهار حق به هر نحوی که ممکن است اگرچه بدانند تأثیر نمی‌کند.

مسأله ۲۷۹۵: اگر سکوت علماء اعلام، موجب تقویت ظالم شود یا موجب تأیید او گردد یا موجب جرأت او شود بر سایر محرمات، واجب است اظهار حق و انکار باطل اگرچه تأثیر فعلی نداشته باشد.

مسأله ۲۷۹۶: اگر سکوت علماء اعلام، باعث شود که مردم به آن‌ها بدگمان شوند و آن‌ها را متهم کنند به سازش با دستگاه ظلم، واجب است اظهار حق و انکار باطل اگر چه بدانند جلوگیری از محرم نمی‌شود و اظهار آن‌ها اثری برای رفع ظلم ندارد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

مسأله ۲۸۰۴: برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است، و جایز نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پائین، به مراتب دیگر عمل شود.

مسأله ۲۸۰۵: مرتبه اول آن که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب او به معصیت، این نحو عمل با او شده است، مثل این که از او رو برگرداند، یا با چهره عبوسی با او ملاقات کند، یا ترک مراوده با او کند و از او اعراض کند به نحوی که معلوم شود این امور برای آن است که او ترک معصیت کند.

مسأله ۲۸۰۶: اگر در این مرتبه درجاتی باشد لازم است با احتمال تأثیر درجه خفیف‌تر، به همان اکتفا کند، مثلاً اگر احتمال می‌دهد که با

تکلم با او، مقصود حاصل می‌شود، به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر، عمل نکند، خصوصاً اگر طرف شخصی است که این نحو عمل موجب هتک او می‌شود.

مسأله ۲۸۰۷: اگر اعراض نمودن و ترک معاشرت با معصیت کار موجب تخفیف معصیت می‌شود یا احتمال بدهد که موجب تخفیف می‌شود، واجب است، اگرچه بداند موجب ترک به کلی نمی‌شود، و این امر در صورتی است که با مراتب دیگر، نتواند از معصیت جلوگیری کند.

مسأله ۲۸۱۳: مرتبه دوم از امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی به زبان است، پس با احتمال تأثیر و حصول سایر شرایط گذشته، واجب است اهل معصیت را نهی کنند، و تارک واجب را امر کنند به آوردن واجب.

مسأله ۲۸۱۵: اگر می‌داند که نصیحت تأثیر ندارد، واجب است با احتمال تأثیر امر و نهی الزامی کند، و اگر تأثیر نمی‌کند مگر با تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت، لازم است، لکن باید از دروغ و معصیت دیگر احتراز شود.

مسأله ۲۸۱۶: جایز نیست برای جلوگیری از معصیت، ارتکاب معصیت مثل فحش و دروغ و اهانت، مگر آن که معصیت، از چیزهایی باشد که مورد اهتمام شارع مقدس باشد و راضی نباشد به آن به هیچ وجه، مثل قتل نفس محترمه، در این صورت باید جلوگیری کند به هر نحو ممکن است.

مسأله ۲۸۱۷: اگر عاصی ترک معصیت نمی‌کند مگر به جمع مابین مرتبه اولی و ثانیه از انکار، واجب است جمع به اینکه هم از او اعراض کند، و ترک معاشرت نماید و با چهره عبوس با او ملاقات کند، و هم او را

امر به معروف کند لفظاً و نهی کند لفظاً.

مسأله ۲۸۱۸: مرتبه سوّم توّسل به زور و جبر است، پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را به جا نمی‌آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند.

مسأله ۲۸۲۰: اگر جلوگیری از معصیت توقّف داشته باشد بر اینکه دست معصیت کار را بگیرد و یا او را از محل معصیت بیرون کند یا در آلتی که به آن معصیت می‌کند تصرّف کند، جایز است، بلکه واجب است عمل کند.

مسأله ۲۸۲۲: اگر جلوگیری از معصیت توقّف داشته باشد بر حبس نمودن معصیت کار، در محلی یا منع نمودن از آن که به محلی وارد شود، واجب است، با مراعات مقدار لازم و تجاوز نمودن از آن.

مسأله ۲۸۲۳: اگر توقّف داشته باشد جلوگیری از معصیت، بر کتک زدن و سخت گرفتن بر شخص معصیت کار، و در مضیقه قرار دادن او جایز است، لکن لازم است مراعات شود که زیاده روی نشود، و بهتر آن است که در این امر و نظیر آن اجازه از مجتهد جامع الشّرایط گرفته شود.

مسأله ۲۸۲۴: اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف باشد بر جرح و قتل، جایز نیست مگر به اذن مجتهد جامع الشّرایط با حصول شرایط آن.

مسأله ۲۸۲۵: اگر منکر از اموری است که شارع مقدّس به آن اهتمام می‌دهد و راضی نیست به وقوع آن به هیچ وجه، جایز است دفع آن به هر نحو ممکن باشد، مثلاً اگر کسی خواست یک شخص را که جایز القتل نیست بکشد باید از او جلوگیری کرد، و اگر ممکن نیست دفاع از قتل

مظلوم مگر به قتل ظالم، جائز است بلکه واجب است، و لازم نیست از مجتهد اذن حاصل نماید. لکن باید مراعات شود که در صورت امکان جلوگیری به نحو دیگری که به قتل منجر نشود به آن نحو عمل کند، و اگر از حدّ لازم تجاوز کند معصیت کار و احکام متعدّی بر او جاری خواهد بود.

مسائل دفاع

مسأله ۲۸۲۶ : اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد: از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.

مسأله ۲۸۲۷ : اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلاء بر بلاد مسلمین راکشیده‌اند چه بدون واسطه یا به واسطه عمال خود از خارج یا داخل، واجب است دفاع از ممالک اسلامی کنند به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد.

مسأله ۲۸۲۸ : اگر در داخل ممالک اسلامی نقشه‌هایی از طرف اجانب کشیده شده باشد که خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان که با هر وسیله‌ای که ممکن است، نقشه آن‌ها را به هم زنند و جلوگیری از توسعه نفوذ آن‌ها کنند.

مسأله ۲۸۲۹ : اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان، دفاع به هر نحو که ممکن است و قطع ایدی اجانب، چه عمال داخلی باشند یا خارجی.

مسأله ۲۸۳۱ : اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار

مسئله ۲۸۳۲: اگر عقد رابطه چه سیاسی و چه تجاری بین یکی از دول اسلامی و اجانب مخالف مصلحت اسلام و مسلمانان باشد، جایز نیست این گونه رابطه، و اگر دولتی اقدام به آن نمود، بر سایر دول اسلامی واجب است آن را الزام کنند به قطع رابطه به هر نحو که ممکن است.

مسئله ۲۸۳۴: روابط تجاری و سیاسی با بعضی دول که آلت دست دول بزرگ جائر هستند از قبیل دولت اسرائیل، جایز نیست و بر مسلمانان لازم است به هر نحو که ممکن است با این نحو روابط مخالفت کنند، و بازرگانانی که با اسرائیل و عمال اسرائیل روابط تجاری دارند، خائن به اسلام و مسلمانان و کمک کار به هدم احکام هستند، و بر مسلمانان لازم است با این خیانت کاران چه دولت‌ها و چه تجار قطع رابطه کنند، و آن‌ها را ملزم کنند به توبه و ترک روابط با این نحو دولت‌ها.

مسائل متفرقه اضافه شده به کتاب احکام

مسابقات سراسری قرآن و عترت

غسل‌های واجب

غسل‌های واجب هفت است: اول غسل جنابت. دوم غسل حیض. سوم غسل نفاس. چهارم غسل استحاضه. پنجم غسل مسّ میّت. ششم غسل میّت. هفتم غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند این‌ها واجب می‌شود.

احکام جنابت

مسأله ۳۴۵: به دو چیز انسان جنب می‌شود: اوّل جماع. دوّم بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی‌شهوت، با اختیار باشد یا بی‌اختیار.

مسأله ۳۴۶: اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر این‌ها چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی دارد، و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از این‌ها را نداشته باشد، حکم منی ندارد. ولی در زن و مریض لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد در حکم منی است و لازم نیست بدن او سست شود.

چیزهایی که بر جنب حرام است:

مسأله ۳۵۵: پنج چیز بر جنب حرام است: اوّل رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن یا به اسم خدا و هم‌چنین بنا بر احتیاط واجب اسم پیغمبران و امامان علیهم‌السلام به طوری که در وضو گفته شد. دوّم رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود. سوّم توقّف در مساجد دیگر ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقّف نکند. چهارم گذاشتن چیزی در مسجد. پنجم خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است:

اوّل سوره سی و دوّم قرآن (الم تنزیل). دوّم سوره چهل و یکم (حم سجده). سوّم سوره پنجاه و سوّم (والنجم). چهارم سوره نود و ششم (اقرا) و اگر یک حرف را به قصد یکی از این چهار سوره هم بخواند حرام است.

غسل جنابت

مسئله ۳۵۷: غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می‌شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

مسئله ۳۵۸: لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می‌کنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند کافی است.

مسئله ۳۶۰: غسل را چه واجب باشد و چه مستحب به دو قسم می‌شود انجام داد: ترتیبی و ارتماسی:

غسل ترتیبی

مسئله ۳۶۱: در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست بعد طرف چپ بدن را بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسئله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است.

مسئله ۳۶۴: اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است، باید دوباره غسل کند.

غسل ارتماسی

مسئله ۳۶۷: در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب فرو رود، غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود.

احکام غسل کردن

مسئله ۳۷۲: در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافی است.

مسئله ۳۷۷: چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید برطرف کند و اگر پیش از آن که یقین کند برطرف شده غسل نماید، غسل او باطل است.

مسئله ۳۷۹: در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می‌شود بشوید و بنابر احتیاط شستن موهای بلند هم لازم می‌باشد.

مسئله ۳۸۶: اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند مثلاً بول کند، غسل او باطل نمی‌شود ولی بعد از غسل برای نماز وضو بگیرد.

مسئله ۳۸۸: کسی که جنب شده اگر شک کند غسل کرده یا نه، نمازهایی را که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

مسئله ۳۹۱: کسی که غسل جنابت کرده نباید برای نماز وضو بگیرد ولی با غسل‌های دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

احکام روزه

مسئله ۵۸۴: جماع روزه را باطل می‌کند، اگرچه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

مسئله ۵۸۸: اگر روزه دار استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل است.

مسئله ۶۱۹: اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم ننماید، روزه‌اش باطل است.

مسئله ۶۲۰: اگر در روزه واجبیه که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معین است تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید ولی از روی عمد نباشد مثل آن که دیگری نگذارد غسل و تیمم کند روزه‌اش صحیح است.

مسئله ۶۲۱: کسی که جنب است و می‌خواهد روزه واجبیه بگیرد که

مثل روزه رمضان وقت آن معین است، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است ولی معصیت کار است.

مسئله ۱۶۲۲: اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک روز یادش بیاید، باید روزه آن روز را قضا نماید و اگر بعد از چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید مثلاً اگر نمی‌داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضا کند.

مسئله ۱۶۲۳: کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ‌کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، اگر خود را جنب کند، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود. ولی اگر برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جنب کند، با تیمم روزه او صحیح است ولی گناهکار است.

مسئله ۱۶۲۵: کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره‌اش بر او واجب می‌شود.

مسئله ۱۶۲۷: کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند یا احتمال می‌دهد اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان خواب بماند روزه‌اش صحیح است.

مسئله ۱۶۳۰: اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند و همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد، کفاره بر او واجب نمی‌شود.

مسأله ۶۳۶ : اگر در روزه واجب غیر روزه رمضان و قضای آن تا اذان صبح جنب بماند گرچه از روی عمد باشد، روزه اش صحیح است چه وقت آن معین باشد و چه نباشد.

مسأله ۷۴۱ : روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جد شود جائز نیست بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود ولی او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که روزه نگیرد.

مسأله ۷۴۲ : اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد و در بین روز پدر او را نهی کند، باید افطار نماید.

احکام نگاه کردن

مسأله ۲۴۳۶ : نگاه کردن به عورت دیگری حرام است، اگرچه از پشت شیشه یا در آئینه یا در آب صاف و مانند این‌ها باشد و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه ممیز هم نگاه نکنند ولی زن و شوهر می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

مسائل متفرقه زناشویی

مسأله ۲۴۴۵ : اگر مرد و زن نامحرمی در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آنجا بیرون بروند.

مسأله ۲۴۴۷ : مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر صلی الله علیه و آله شود، یا حکم ضروری دین یعنی حکمی که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند مثل واجب بودن نماز و روزه را انکار کند، در صورتی که منکر شدن آن حکم، به انکار خدا یا پیغمبر برگردد مرتد است.

مسأله ۲۴۵۱ : اگر زن در هنگام عقد با مرد شرط کند او را از شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند، نباید زن را از شهر بیرون ببرد.

مسأله ۲۴۶۰ : اگر زن مهر خود را به شوهر صلح کند که زن دیگر

نگیرد، احتیاط واجب آن است که زن مهر را نگیرد و شوهر هم با زن دیگر ازدواج نکند.

مسائل ویژه خواهران

غسل‌های واجب

استحاضه

مسأله ۳۹۴: در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب پنبه را عوض کند یا آب بکشد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده آب بکشد.

مسأله ۳۹۵: در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود کارهای استحاضه قلیله را که در مسأله پیش گفته شد انجام دهد و این در صورتی است که استحاضه متوسطه پیش از نماز صبح یا در بین آن پیدا شود ولی اگر بعد از نماز صبح تا پیش از نماز ظهر یا بین آن حاصل شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و همین طور پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضه متوسطه شد باید برای آن غسل کند و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند، باید پیش از نماز مغرب و عشا غسل نماید چه آن که خون بیاید یا قطع شده باشد.

مسأله ۳۹۶: در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسأله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد، و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد، و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشا فاصله بیندازد باید برای نماز عشا دوباره غسل نماید.

مسأله ۳۹۷: اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید اگرچه

زن برای آن خون، وضو و غسل را انجام داده باشد بنا بر احتیاط واجب، باید در موقع نماز وضو و غسل را به جا آورد.

مسئله ۳۹۸: مستحاضه متوسّطه و کثیره که باید وضو بگیرد و غسل کند هر کدام را اوّل به جا آورد صحیح است، ولی بهتر آن است که اوّل وضو بگیرد.

مسئله ۳۹۹: اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح متوسّطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسّطه شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

مسئله ۴۰۰: اگر استحاضه قلیله یا متوسّطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری به جا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

مسئله ۴۰۱: مستحاضه کثیره یا متوسّطه اگر پیش از داخل شدن به وقت نماز برای نماز غسل کند، غسل او باطل است بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند، احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح دوباره غسل و وضو را به جا آورد.

مسئله ۴۰۲: زن مستحاضه برای هر نمازی چه واجب و چه مستحب، باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواهد نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، یا بخواهد نمازی را که تنها خوانده است دوباره با جماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهّد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً به جا آورد لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

مسئله ۴۰۳: زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای نماز اوّلی که می‌خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای

نمازهای بعد لازم نیست.

مسأله ۴۰۴: اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که می‌خواهد نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آن که فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد ولی اگر بداند تا وقتی که می‌خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی‌کند، پیش از داخل شدن وقت هم می‌تواند خود را واری نماید.

مسأله ۴۰۵: زن مستحاضه اگر پیش از آن که خود واری کند مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه‌اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه‌اش نبوده مثل آن که استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است.

مسأله ۴۰۶: زن مستحاضه اگر نتواند خود واری نماید، باید به آنچه مسلماً وظیفه اوست عمل کند مثلاً اگر نمی‌داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و اگر نمی‌داند متوسطه است یا کثیره باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد، ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

مسأله ۴۰۷: اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو و غسل باطل نمی‌شود و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد وضو و غسل را به تفضیلی که گذشت باطل می‌کند.

مسأله ۴۰۸: زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واری کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می‌آید، با وضوئی که دارد می‌تواند نماز

بخواند.

مسأله ۴۰۹: زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و تا بعد از نماز هم خون در داخل فرج نیست و بیرون نمی آید، می تواند خواندن نماز را تأخیر بیاورد.

مسأله ۴۱۰: اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز به کلی پاک می شود، یا به اندازه خواندن نماز خون بند می آید باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.

مسأله ۴۱۱: اگر بعد از نماز و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، به مقداری که وضو و غسل و نماز را به جا آورد، به کلی پاک می شود، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که به کلی پاک شد، دوباره وضو و غسل را به جا آورد، و نماز را بخواند و اگر وقت نماز تنگ شد لازم نیست وضو و غسل را دوباره به جا آورد، بلکه با وضو و غسلی که دارد می تواند نماز بخواند.

مسأله ۴۱۲: مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی به کلی از خون پاک شد باید غسل کند، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده دیگر خون نیامد لازم نیست دوباره غسل نماید.

مسأله ۴۱۳: مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو باید فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد و در نماز می تواند کارهای مستحب مثل قنوت و غیر آنرا به جا آورد.

مسأله ۴۱۴: زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود، ولی اگر خون در داخل فضای فرج نیاید غسل لازم نیست.

مسأله ۴۱۵: اگر خون استحاضه زن جریان داشته باشد و قطع نشود، چنانچه برای او ضرر نداشته باشد، باید پیش از غسل و بعد از آن به

وسیلهٔ پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر همیشه جریان نداشته باشد، فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید، و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند و وضو هم بگیرد و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند.

مسأله ۴۱۶: اگر در موقع غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است، ولی اگر در بین غسل استحاضهٔ متوسطه کثیره شود، واجب است چنانچه مشغول غسل ترتیبی بود همان را از سر بگیرد و اگر مشغول غسل ارتماسی بوده بهتر است که همان را دوباره انجام دهد.

مسأله ۴۱۷: احتیاط واجب آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است به مقداری که می‌تواند از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.

مسأله ۴۱۸: روزه‌ی زن مستحاضه‌ای که غسل بر او واجب می‌باشد در صورتی صحیح است که غسل‌هائی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد و نیز بنا بر احتیاط واجب غسل نماز مغرب و عشاء شبی را که می‌خواهد فردای آن را روزه بگیرد، به جا آورد و نیز در روز غسل‌هائی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد. ولی اگر برای نماز مغرب و عشاء غسل نکند و برای خواندن نماز شب پیش از اذان صبح غسل نماید و در روز هم غسل‌هائی را که برای نمازهای روزش واجب است، به جا آورد، روزهٔ او صحیح است.

مسأله ۴۱۹: اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند روزهٔ او صحیح است.

مسأله ۴۲۰: اگر استحاضهٔ قلیلهٔ زن پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود، باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد و اگر استحاضهٔ متوسطه کثیره شود باید کارهای استحاضهٔ کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضهٔ متوسطه غسل کرده باشد فایده ندارد و

باید دوباره برای کثیره غسل کند.

مسأله ۴۲۱: اگر در بین نماز، استحاضه متوسّطه زن کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند و اگر برای هیچ کدام غسل و وضو وقت ندارد، باید دو تیمّم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو، و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد باید عوض آن تیمّم کند و دیگری را به جا آورد، ولی اگر برای تیمّم هم وقت ندارد نمی‌تواند نماز را بشکند و باید نماز را تمام کند. و بنابر احتیاط واجب قضا نماید، و همچنین است اگر در بین نماز استحاضه قلیله او متوسّطه یا کثیره شود.

مسأله ۴۲۲: اگر در بین نماز خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه، چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده، باید وضو و غسل و نماز را دوباره به جا آورد.

مسأله ۴۲۳: اگر استحاضه کثیره زن متوسّطه شود، باید برای نماز اوّل عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسّطه را به جا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره متوسّطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشا فقط وضو بگیرد ولی اگر برای نماز غسل نکند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشد، باید برای نماز عصر غسل نماید، و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند باید برای نماز مغرب غسل کند. و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط به مقدار نماز عشا وقت داشته باشد باید برای عشا غسل نماید.

مسأله ۴۲۴: اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره قطع شود و دوباره بیاید برای هر نماز باید یک غسل به جا آورد، ولی اگر بعد از غسل و پیش از نماز قطع شود چنانچه وقت تنگ باشد که نتواند غسل کند و نماز را در وقت بخواند با همان غسل می‌تواند نماز را بخواند و

همین‌طور است حکم وضو.

مسئله ۴۲۵: اگر استحاضه کثیره قلیله شود، باید برای نماز اول کثیره و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد، و نیز اگر استحاضه متوسطه قلیله شود باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را به جا آورد.

مسئله ۴۲۶: اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می‌باشد حتی عوض کردن پنبه را ترک کند نمازش باطل است.

مسئله ۴۲۷: مستحاضه قلیله اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد، که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جائی از بدن خود را به خط قرآن برساند باید وضو بگیرد و وضویی که قبلاً برای نماز گرفته بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

مسئله ۴۲۸: رفتن در مسجد مکه و مدینه و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد برای زن مستحاضه اشکال ندارد ولی نزدیکی شوهر با او در صورتی حلال می‌شود که غسل کند اگرچه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است، مثل وضو و عوض کردن پنبه و دستمال انجام نداده باشد.

مسئله ۴۲۹: اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز جائی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و وضو هم بگیرد.

مسئله ۴۳۰: نماز آیات بر مستحاضه واجب است. و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیّه گفته شد انجام دهد.

مسئله ۴۳۲: اگر زن مستحاضه بخواهد نماز قضا بخواند، باید برای هر نماز کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است به جا آورد و بنا بر احتیاط واجب هر دو را با یک غسل و وضو به جا نیاورد.

مسأله ۴۳۳: اگر زن بداند خونی که از او خارج می‌شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد بنا بر احتیاط واجب، باید به دستور استحاضه عمل کند، بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خون‌های دیگر چنانچه نشانه آن‌ها را نداشته بنا بر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

حیض

خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زن‌ها خارج می‌شود و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می‌گویند.

مسأله ۴۳۴: خون حیض در بیش‌تر اوقات، غلیظ و گرم، رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

مسأله ۴۳۷: زن حامله و زنی که بچه شیر می‌دهد، ممکن است حیض ببیند.

مسأله ۴۴۰: مدت حیض کم‌تر از سه روز و بیش‌تر از ده روز نمی‌شود و اگر مختصری هم از سه روز کم‌تر باشد حیض نیست.

مسأله ۴۴۳: لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود، پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید، یا در وسط‌های روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم هیچ خون قطع نشود، حیض است.

مسأله ۴۴۴: اگر سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیش‌تر نشود، روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است.

مسئله ۴۴۹: اگر کم‌تر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از سه روز خون ببیند، خون دوّم حیض است و خون اوّل اگرچه در روزهای عادتش باشد حیض نیست.

احکام حائض

مسئله ۴۵۰: چند چیز بر حائض حرام است: اوّل عبادت‌هایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمّم به جا آورده شود، ولی به جا آوردن عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمّم برای آن‌ها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد. دوّم تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد. سوّم جماع کردن در فرج که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگرچه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید. بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کم‌تر از ختنه گاه را هم داخل نکند و در دبر زن حائض وطی کردن کراهت شدید دارد.

مسئله ۴۵۱: جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است پس زنی که بیش‌تر از ده روز خون می‌بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می‌شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی‌تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

مسئله ۴۶۴: اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

مسئله ۴۶۵: اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

مسئله ۴۶۶: بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمّم به جا آورده شود، غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است، ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل

وضو بگیرد بهتر است.

مسأله ۴۶۸ : اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه‌ای باشد که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید غسل کند و بدل از وضو تیمّم نماید. و اگر فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمّم نماید و اگر برای هیچ یک از آن‌ها آب ندارد، باید دو تیمّم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

مسأله ۴۶۹ : نمازهای یومیّه‌ای که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضا نماید.

مسأله ۴۷۶ : مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد تیمّم نماید و در جای نماز رو به قبل بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.

مسأله ۴۷۷ : خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جائی از بدن به حاشیه و مابین خط‌های قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است.

اقسام زن‌های حائض

مسأله ۴۷۸ : زن‌های حائض بر شش قسم هستند: اوّل صاحب عادت وقتیّه و عددیّه، و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل آن که دو ماه پشت سر هم از اوّل ماه تا هفتم خون ببیند. دوّم صاحب عادت وقتیّه و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اوّل ماه خون ببیند ولی ماه اوّل روز هفتم و ماه دوّم روز هشتم از خون پاک شود. سوّم

صاحب عادت عددیه و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثل آن که ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند. چهارم مضطربه و آن زنی است که چند ماه خون دیده و عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش به هم خورده و عادت تازه‌ای پیدا نکرده است. پنجم مبتدئه و آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است. ششم ناسیه و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است. و هر کدام این‌ها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می‌شود.

۱- صاحب عادت وقتی و عددیه

مسأله ۴۷۹: زن‌هایی که عادت وقتی و عددیه دارند سه دسته‌اند:

اول زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود. مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه خون ببیند و روز هفتم پاک شود که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است. دوم زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز معین مثلاً از اول ماه تا هشتم خونی که می‌بیند نشانه‌های حیض را دارد؛ یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید و بقیه خون‌های او نشانه‌های استحاضه را دارد که عادت او از اول ماه تا هشتم می‌شود. سوم زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از آن که سه روز یا بیش‌تر خون دید یک روز یا بیش‌تر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیش‌تر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلاً اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد

از آن که سه روز خون دید، سه روز یا کم‌تر یا بیش‌تر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از نه روز بیش‌تر نشود همه حیض است و عادت این زن نه روز می‌شود.

۲- صاحب عادت وقتیّه

مسأله ۴۸۷: زن‌هائی که عادت وقتیّه دارند سه دسته‌اند: اوّل زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اوّل ماه خون ببیند ولی ماه اوّل روز هفتم و ماه دوّم روز هشتم از خون پاک شود، که این زن باید روز اوّل ماه را عادت حیض خود قرار دهد. دوّم زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه‌های حیض را دارد یعنی غلیظ و سیاه و گرم است، با فشار و سوزش بیرون می‌آید و بقیه خون‌های او نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهای که نشانه حیض را دارد در هر دو ماه یک اندازه نیست، مثلاً در ماه اوّل از اوّل ماه تا هفتم و در ماه دوّم از اوّل ماه تا هشتم خون او نشانه‌های حیض و بقیه، نشانه استحاضه را داشته باشد، که این زن هم باید روز اوّل ماه را روز اوّل عادت حیض خود قرار دهد. سوّم زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین سه روز یا بیش‌تر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهای که خون دیده با روزهای که در وسط پاک بوده از ده روز بیش‌تر نشود ولی ماه دوّم کم‌تر یا بیش‌تر از ماه اوّل باشد، مثلاً در ماه اوّل در هشت روز و در ماه دوّم نه روز باشد که این زن هم باید روز اوّل ماه را روز اوّل عادت حیض خود قرار دهد.

۳- صاحب عادت عددیه

مسأله ۴۹۲: زن‌هائی که عادت عددیه دارند سه دسته‌اند: اوّل زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه باشد، ولی

وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می‌شود. مثلاً اگر ماه اوّل از روز اوّل تا پنجم و ماه دوّم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می‌شود. دوّم زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی که می‌بیند نشانه حیض و بقیّه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می‌شود. مثلاً اگر یک ماه از اوّل ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم خون او نشانه حیض و بقیّه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می‌شود. سوّم زنی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیش‌تر خون ببیند و یک روز یا بیش‌تر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون در ماه اوّل یا ماه دوّم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیش‌تر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می‌شود و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اوّل از روز اوّل ماه تا سوّم خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوّم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیش‌تر یا کم‌تر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیش‌تر نشود، عادت او هشت روز می‌شود.

۴- مُضْطَرَبَه

مسأله ۴۹۴ : مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده، اگر بیش‌تر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده یک جور باشد چنانچه عادت خویشان او هفت روز است باید هفت روز حیض و بقیّه را استحاضه قرار دهد و اگر کم‌تر است مثلاً پنج روز

است باید همان را حیض قرار دهد. و بنابر احتیاط واجب، در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز که دو روز است، کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید و کارهای استحاضه را به جا آورد؛ یعنی به دستوری که برای زن استحاضه گفته شد عبادت‌های خود را انجام دهد و اگر عادت خویشانش بیش‌تر از هفت روز مثلاً نه روز است، باید هفت روز را حیض قرار دهد و بنابر احتیاط واجب در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان که دو روز است، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید.

۵- مُبْتَدئه

مسأله ۴۹۶: مبتدئه یعنی زنی که دفعهٔ اوّل خون دیدن اوست، اگر بیش‌تر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده یک جور باشد، باید عادت خویشان خود را به طوری که در وقتیه گفته شد حیض و بقیّه را استحاضه قرار دهد.

۶- ناسیه

مسأله ۴۹۹: ناسیه یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است اگر بیش‌تر از ده روز خون ببیند باید روزهایی که خون او نشانهٔ حیض را دارد تا ده روز، حیض قرار دهد و بقیّه را استحاضه قرار دهد، و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، بنابر احتیاط واجب باید هفت روز اوّل را حیض و بقیّه را استحاضه قرار دهد.

نفاس

مسأله ۵۰۸: از وقتی که اوّلین جزء بچه از شکم مادر بیرون می‌آید هر خونی که زن می‌بیند، اگر پیش از ده روز یا سرده روز قطع شود خون نفاس است. و زن را در حال نفاس، نفساء می‌گویند.

مسأله ۵۱۱: ممکن است خون نفاس یک آن بیش‌تر نیاید، ولی بیش‌تر از ده روز نمی‌شود.

مسئله ۵۳: توقف در مسجد و رساندن جائی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است و آنچه بر حائض واجب است و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می‌باشد.

مسئله ۵۸: زنی که عادت حیضش کم‌تر از ده روز است، اگر بیش‌تر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد، و بعد از آن تا روز دهم می‌تواند عبادت را ترک نماید یا کارهای مستحاضه را انجام دهد، ولی ترک عبادت یک روز یا دو روز خیلی خوب است. پس اگر از ده روز بگذرد، به اندازه روزهای عادتش نفاس و بقیّه استحاضه است و اگر عبادت را ترک کرده باید قضا نماید.

احکام روزه

مسئله ۱۶۳۸: اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد، چنانچه بخواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، با تیمّم روزه‌اش صحیح است و لازم نیست تا صبح بیدار بماند و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجبی بگیرد که مثل روزه کفّاره وقت آن معین نیست نمی‌تواند با تیمّم روزه بگیرد.

مسئله ۱۶۳۹: اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمّم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، روزه او صحیح است، ولی اگر در وسعت وقت قضای رمضان را گرفته باشد صحیح بودن آن اشکال دارد.

مسئله ۱۶۴۰: اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند اگرچه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

مسئله ۱۶۴۱: اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک

روز یا چند روز یادش بیاید، روزه‌هایی که گرفته صحیح است.

مسأله ۱۷۴۰: اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود، جایز نیست روزه بگیرد، بلکه اگر حق شوهر هم از بین نرود ولی شوهر او از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کند بنا بر احتیاط واجب باید خودداری کند.

احکام نکاح یا ازدواج

مسأله ۲۳۷۶: دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه با کره باشد، بنا بر احتیاط واجب باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد و اجازه مادر و برادر لازم نیست.

مسأله ۲۴۱۲: زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. و اگر در این‌ها از شوهر اطاعت کند، تهیّه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیّه نکند چه توانائی داشته باشد یا نداشته باشد مدیون زن است.

مسأله ۲۴۱۳: اگر زن در کارهایی که در مسأله پیش گفته شد اطاعت شوهر نکند گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل و هم‌خوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی‌رود.

مسأله ۲۴۵۸: اگر زنی که آزاد و مسلمان و عاقل است دختری داشته باشد، تا هفت سال دختر تمام نشده پدر نمی‌تواند او را از مادرش جدا کند.